

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ویژه

بهار ۱۴۰۰ - Spring 2021

حقوق ما

عدالت محیط زیستی از منظر حقوق بشر



در این شماره می‌خوانید:

*** نقض حقوق محیط زیست، نقض حقوق بشر هم هست**

*** عدالت محیط زیستی: سوراخ کردن این کشتی که همه‌مان در آن نشسته‌ایم غرق‌مان می‌کند**

*** تجربه کسب عدالت محیط زیستی بومیان کانادا**

*** مدیریت آب در ایران: مدیریتی که از عدالت محیط زیستی دورتر و دورتر شده است**

*** عدالت محیط زیستی، آب و شهروندان ایرانی**

*** باید برای رسیدن به عدالت محیط زیستی جنگید**

*** عدالت محیط زیستی قربانی کشاورزی نامتوازن و ناپایدار**

*** تصمیم‌گیری از بالا، عامل بی‌عدالتی محیط زیستی**

*** تکامل از دوران توسعه پایدار به زمانه عدالت محیط زیستی**

*** ابرپروژه‌های جمهوری اسلامی: نقض حقوق محیط زیست و نماد بی‌عدالتی محیط زیستی**

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

تحریریه: روزبه اسکندری، شهرام خلدی، محمد تاج‌دولتی و نیک‌آهنگ کوثر

طرح: اسد بیناخواهی، افشین سبویکی

این شماره با همکاری مجموعه آبانگان تهیه شده است

طرح جلد و صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

آب‌های زیرزمینی منطقه عنوان کرده‌اند. ورود پساب‌های صنعتی و کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات به دریاچه ارومیه بعد از خشک شدن بخش‌هایی از آن خطرناک شد، چه، رسوبات نمکی دانه‌ریز بازممانده در حاشیه دریاچه به مواد سمی آلوده بود و با هرتندبادی، نمک‌های آلوده به هوا برمی‌خاست و هم زمین‌های اطراف را آلوده می‌کرد و هم مسافتی طولانی را طی می‌کرد و وارد سیستم تنفسی بسیاری از مردم می‌شد.

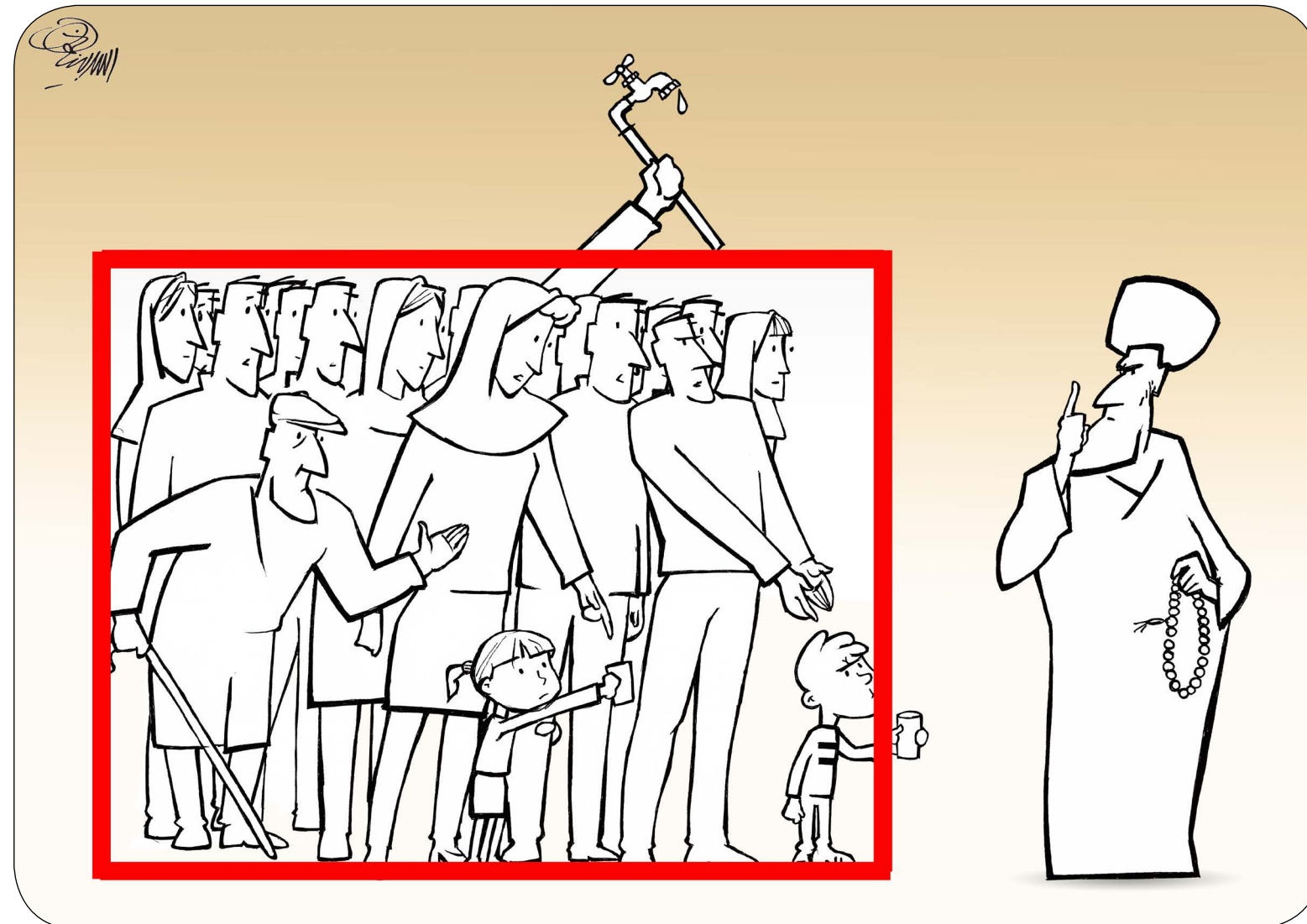
برداشت بیش از حد از چاه‌های آب کبودآهنگ برای خنک کردن نیروگاه حرارتی شهید مفتاح، به نشست زمین و بروزده‌ها فروچاله انجامید تا دشتی پرآب، در سرایشی مرگ قرار گیرد. از سوی دیگر، ۶۳ پارچه آبادی در محدوده سد کارون-۳ زیر آب رفت تا سیاست آبی دولت‌های سازندگی و اصلاحات به نتیجه برسد و نانی نصیب شرکت‌ها مشاور و پیمان‌کار و کارفرمایان در شرکت آب و نیرو شود. از سویی دشتی پرآب را می‌خشکانند و از طرفی دره‌ای سرسبز را غرق می‌کنند.

مدیران آب در ایران مدعی هستند که طرح‌ها را بعد از گرفتن موافقت سازمان حفاظت محیط زیست به‌انجام می‌رسانند. به عبارتی، براساس ادعای مسوولان جمهوری اسلامی که خود را پایبند به اصل ۵۰ قانون اساسی می‌خوانند، هیچ طرح ضد محیط زیستی نباید اجرا شود. اما مگر اصل ۵۰ چه می‌گوید؟ برپایه این اصل، نگاه جمهوری اسلامی به توسعه پایدار است و حکومت خود را به حفظ حقوق نسل‌های بعدی مقید می‌داند: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» اما واقعیت ماجرا چیست؟ کدام پروژه بزرگ آبی و نفتی و گازی از زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ضد محیط زیست نبوده است؟ کدام پروژه ارزیابی محیط زیستی شفافی داشته؟ کدام ارزیابی را برای نقد و بررسی به کارشناسان مستقل داده‌اند و از همه مهم‌تر، کدام ارزیابی محیط زیستی پروژه‌های بزرگ با دید عدالت محیط زیستی بررسی شده است؟

کردن زندگی مردمان و سلب حق آبی آنان چه معنایی جز تبعیض دارد؟ بیشتر شدن نشت نفتی در این منطقه بدون توجه به اینکه نفوذ مواد سمی موجود در سوخت فسیلی می‌تواند آب‌های زیرزمینی را آلوده کند و زندگی نسل‌های بعدی را به خطر اندازد، از نشانه‌های بی‌عدالتی محیط زیستی است.

کشاورزی نابسامانی که با مدیریت بد آب باعث از میان رفتن آبخوان‌ها و تالاب‌ها شده، نه تنها حیات وحش را به خطر انداخته که باعث مهاجرت و بی‌سرانجامی میلیون‌ها نفر شده است. استفاده از کودهای شیمیایی، آبخوان‌ها را آلوده به سمومی کرده که به این راحتی از چرخه طبیعت خارج نمی‌شود. برخی کارشناسان مسمومیت اهالی روستای «شیخ صله» ثلاث باباجانی استان کرمانشاه را ناشی از مخلوط شدن سموم و کود شیمیایی با آب چاه و ورود این ترکیبات به سفره

طرح: اسد بیناخواهی



نقض حقوق محیط زیست، نقض حقوق

بشر هم هست



نیک آهنگ کوثر، روزنامه‌نگار حوزه آب

در گذر سالیانی که مسائل آب ایران را بررسی کرده‌ام، به این نکته دردناک رسیده‌ام که بخش قابل توجهی از مردمانی که قربانی مدیریت بد آبی و محیط زیستی بوده‌اند، عاملان اصلی نابسامانی زندگی خود و نسل‌های بعدی‌شان را نمی‌شناخته‌اند. کشاورزانی که با اجرای خواسته‌های دولت، زمین و آب و خاک‌شان از دست رفته و چاره‌ای جز مهاجرت به حاشیه شهرها نداشته‌اند، نمی‌دانند شکایت‌شان را از روزگار تلخ فعلی به کجا ببرند. مرزنشینانی که از سرنداری سوخت‌بری می‌کنند، سال‌ها است در انتظار رسیدن یک خط لوله آب سالم به روستاهای‌شان هستند اما تبعیض حاکم بر کشور، حق آبی مردمان غیرشیعه بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان را نادیده گرفته است. دیده‌ایم که حکومت چه بر سر سوخت‌بران آورده و خانواده‌های آنان چگونه دل‌نگران ورود به دوره سخت بی‌سرپرستی بوده‌اند، و خواهند بود.

وقتی ارز-آورترین منبع طبیعی کشور یعنی نفت را از زیرزمین منطقه غیزانیه بیرون می‌کشند اما آبی به ساکنان عرب ایرانی این منطقه نمی‌رسانند، داد هموطنان مان در این خطه به اوج می‌رسد اما به سرعت سرکوب می‌شود. تخریب محیط زیست منطقه‌ای نزدیک اهواز و کشیدن لوله‌های بسیار و محدود

وقتی ماه پیش از یکی مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی درباره عدالت محیط زیستی می‌پرسیدم، برایم پیام فرستاد که مبنای نگاه نظام برای دستیابی به عدالت محیط زیستی، همان اصل ۵۰ قانون اساسی است. درست است، حکومت در ظاهر با اتکا به قانونی مترقی باید از منابع طبیعی کشور دفاع و محافظت کند، اما در عمل چه نتیجه‌ای عایدمان شده است؟ چه نتیجه‌ای عاید محیط زیست شده است؟

در طی ۴۲ سال اخیر، جنگل‌های بسیاری از بین رفته است. حیات مردمان بسیاری به این جنگل‌ها وابسته بود و اینک سرمایه طبیعی‌شان از دست رفته است. از بین رفتن جنگل‌های زاگرس با فرسایش خاکی ارزشمند همراه بوده، خاکی که برای ایجاد یک سانتیمترش صدها سال زمان لازم است. کشاورزی در مناطق پرشیب و همچنین رها کردن اراضی زراعی بعد از بی‌آبی، در عمل خاکی در بسیاری از مناطق بر جای نگذاشته است. از میان رفتن خاک، بخت و حق زیستن در جای جای کشور را از بخش بزرگی از مردم ستانده است.

برداشت بیش از حد از سفره‌های آب زیرزمینی در روزگار کم‌آبی، به تخلیه آبخوان‌ها منجر شده و نشست زمین در بیش از دو سوم دشت‌های کشور، حق زیستن را از نسل‌های بعدی می‌ستاند. تغییر کاربری مراتع و جنگل‌ها با همراهی برخی مقام‌های فاسد دستگاه قضایی، امنیت محیط زیستی را از گیاه و جانور و انسان سلب می‌کند و کسی جلودار این آسیب‌های دائمی نیست. از میان رفت حیات وحش و تنوع زیستی، حیات نسل‌های بعد انسان را هم تحت تاثیر قرار خواهد داد.

در مقابل جنایت محیط زیستی چه باید کرد؟

هستند کسانی که مسئولیت محافظت از محیط زیست را تنها بر عهده دولت‌ها می‌دانند و هرگونه وظیفه‌ای را از دوش مردم ساقط می‌کنند. شاید در ساختارهای دموکراتیک که مردم نقشی در روند تصمیم‌گیری دارند و دولت‌ها به مردم پاسخگو هستند، نگرانی عمومی به حداقل می‌رسد، اما در کشوری مانند ایران که مردم قربانی تصمیم‌گیری‌های مقطعی حاکمان بی‌توجه به توسعه پایدار هستند، باید نگران بود. در



طی یک دهه گذشته، تعداد حاشیه‌نشینان کشور دو برابر شده و بخشی از این گروه، کشاورزان و دامداران و دهقانانی هستند که ادامه حیات در مناطق روستایی آبا و اجدادی برای‌شان غیر ممکن شده است. کشاورزان که سال‌ها با تشویق دولت گندم اضافه کاشتند تا حکومت به رسیدن به مرزهای خودکفایی افتخار کند، اینک توان تامین نان کافی برای فرزندان خود را ندارند. زارعان شرق اصفهان که در هنگامه کم‌آبی مقطعی زاینده‌رود از زیرزمین آب را بیرون می‌کشیدند تا گندم بیشتری بکارند، اینک با نشست زمین و ناپدید شدن رودخانه چاره‌ای جز پشت کردن به قدرت نیافته‌اند.

توسعه نامتوازن در فلات مرکزی ایران، کم از جنایت نیست. چرا باید در بی‌آب‌ترین مناطق کشور تشکیلات ذوب فولاد را تاسیس کرد؟ چه کسانی عامل راه‌اندازی کارخانه‌های ذوب

به جز شعار و اتکا به قوانین بی‌فایده کار دیگری جز زدن مهر و امضای پای پروژه‌های مخرب ندارد.

حیوانات و درختان آسیب‌دیده از رفتارهای انسانی، زبانی برای شکایت ندارند. می‌سوزند یا می‌سازند. در روزگاران قدیم معدن‌کاران برای اینکه ببینند هوای داخل معدن قابل تنفس است، با خود قناری می‌بردند و تا وقتی پرنده بی‌نوا زنده بود، می‌دانستند که هوای کافی و سالم در اختیار دارند. مرگ قناری اما، هشدار بود برای خروج سریع از دل زمین. در دهه‌های اخیر، مرگ قناری‌ها بایستی انسان‌ها را بیدار می‌کرد، اما بی‌توجهی و عدم احساس لزوم پاسخ‌گو کردن ساختار قدرت ما را به نقطه‌ای خطرناک رسانده است. اگر تا ۱۰-۱۲ سال دیگر بسیاری از روندهای خطا را تغییر ندهیم و به داد محیط زیست نرسیم، حرف زدن از عدالت محیط زیستی کاری بدون نتیجه خواهد بود. امروزه فعالان محیط زیست با اعمال فشار روی دولت‌ها و دستگاه‌های قانون‌گذاری، مقررات سخت‌گیرانه‌ای را بر ساختارهای قدرتمند اقتصادی تحمیل کرده‌اند، اما در کشور ما به حافظان حیات وحش هم رحم نمی‌کنند و برچسب جاسوسی می‌زنند. در نبود امکان پیگیری جنایت‌های محیط زیستی در داخل کشور، باید ساز و کاری برای ثبت و مستند کردن خطاهایی که عدالت محیط زیستی را نقض می‌کند ایجاد کرد. با وجود محدودیت اطلاعات دقیق، راهی جز ایجاد شبکه‌هایی برای ثبت و ضبط رفتارهای جنایت‌کارانه در حق محیط زیست وجود ندارد. فعالان فروتن محیط زیست به کمک کارشناسان حقوق و فعالان حقوق بشر نیازمندند و باید امکان آگاهی‌بخشی را برای این دو گروه در چارچوب یک برنامه مشترک هموار ساخت.

مجموعه آبانگان از سازمان حقوق بشر ایران به‌خاطر توجه به مساله عدالت محیط زیستی و دفاع از حقوق محیط زیست مردم ایران سپاس‌گذار است. امیدواریم با گسترش همکاری میان حافظان محیط زیست و نهادهای مدافع حقوق بشر بتوان شرایطی پایدارتر برای هموطنان آسیب‌دیده از نقض اصل ۵۰ قانون اساسی به وسیله حکومت مدعی پایبندی به اصل ۵۰، فراهم کرد. پاسخگو کردن ناقضان، قدم نخست احقاق عدالت محیط زیستی است.

آهن در یزد هستند؟ چرا برای تامین نیاز این کارخانه باید آب خلیج فارس را با هزینه‌ای بسیار بالا شیرین کرد و بعد از گذر از کوه‌ها و دشت‌ها به یزد رساند؟ چرا از اول کارخانه را کنار دریا نساختند؟ آیا مردمانی که به راه‌اندازی سامانه آب شیرین کن برای فلات مرکزی افتخار می‌کنند، می‌دانند که علاوه بر هزینه‌های گزاف اقتصادی، نمک‌زدایی از آب دریا به قیمت تولید حرارت و گاز کربنیک ناشی از سوخت نفت برای تولید برق است؟ می‌دانند که شورابه غلیظ وقتی به دریا بازمی‌گردد چه تاثیری روی محیط زیست دریای دارد؟ احتمالاً کسانی که نگران نحوه صید ترال به‌وسیله کشتی‌های چینی در خلیج فارس و دریای عمان نیستند، اهمیتی هم به نابودی مرجان‌های سواحل جنوبی ایران نمی‌دهند... محیط زیست وکیل مدافع ندارد و سازمان حفاظت از محیط زیست

عدالت محیط زیستی: سوراخ کردن این کشتی که همه‌مان در آن نشسته‌ایم غرق‌مان می‌کند

گفتگو با شاهین صادق‌زاده میلانی، مرکز اسناد حقوق بشر ایران

نیک آهنگ کوثر، روزنامه‌نگار حوزه آب

عدالت محیط زیستی برای بسیاری از حقوق‌دانان و فعالان محیط زیستی و اجتماعی ایران حوزه جدید و ناشناخته‌ای است. وقتی «ابر پروژه‌ها» بخشی از مشکلات اقتصادی گروه‌های مختلف و بعضاً قدرتمند را حل می‌کنند، در دراز مدت جمعیت بسیاری را قربانی خواهند کرد. فعالان حوزه محیط زیست برای مقابله با تصمیم‌گیرندگان و مجریان پروژه‌های نابودکننده منابع طبیعی که آسیب‌های غیرقابل جبرانی به گروه‌های اجتماعی ضعیف‌تر هم وارد می‌کند، تنها هستند. اینجا است که نیاز به حقوق‌دانان متخصص حقوق محیط زیست بیشتر از پیش حس می‌شود. یکی از این حقوق‌دانان، شاهین صادق‌زاده میلانی مدیر اجرایی مرکز اسناد حقوق بشر ایران در آمریکا است.

حقوق ما - آقای میلانی، بسیاری شما را به عنوان فعال و گزارشگر حقوق بشر می‌شناسند، اما کمتر کسی می‌داند که تخصص شما حقوق محیط زیست است و در این رشته تحصیل کرده‌اید. آن هم در ایالات متحده که مباحث حقوق محیط زیستی در چند دهه اخیر جدی‌تر گرفته شده. چه چیزی به عنوان یک متخصص توجه‌تان را جلب کرده، و یا به عبارت دیگر چشمان‌تان را بازتر کرده؟

شاهین صادق‌زاده میلانی - یک نکته که در این مدت یاد گرفتم، حرفی بود که یکی از استادانم صادقانه گفت، و آن این بود که «نبرد برای محیط زیست و تلاش برای محافظت از محیط زیست در نهایت یک جنگ مغلوبه است و شما بیشتر شکست می‌خورید تا اینکه بیشتر پیروز شوید و باید با انواع مشکلات مبارزه کنید سعی کنید روند تخریب محیط زیست را کندتر کنید...واقعیتش این است.» این چیزی است که به شکل واقعی در دنیا شاهدش بودیم. یادم است باراک اوباما در سخنرانی‌اش بعد از انتخابات ۲۰۰۸ گفت «این شبی است که می‌خواهیم امواج اقیانوس‌ها را برگردانیم» این حرف‌های رویایی با واقعیت هم‌خوانی ندارد و در واقع نبردی است که خیلی‌ها توی آن وارد می‌شوند ولی توی آن، شکست بیشتر از پیروزی است.

حقوق ما - چند دهه است که بحث عدالت محیط زیستی داغ

حقوق ما - یکی از مسائلی که وجود دارد این است که بسیاری از تصمیم‌گیری‌های امروز می‌تواند تاثیر منفی روی محیط زیست و نسل‌های بعدی داشته باشد، عدالت محیط زیستی به این مساله چگونه می‌نگرد؟

شاهین صادق‌زاده میلانی - این یک واقعیت است و این هزینه‌ای است که به آینده تحمیل می‌شود و حل مشکلات را به آینده محول می‌کنند، نه فقط در محیط زیست که در کل سیستم سیاسی. در بستر آمریکا، تمرکز بیشتر روی مساله حقوق اقلیت‌ها بود و البته همبستگی زیادی دارد با فقر و افشار آسیب‌پذیر اقتصادی.

حقوق ما - وقتی با یکی از مقام‌های جمهوری اسلامی در ارتباط با عدالت محیط زیستی حرف می‌زدیم، معتقد بود که جمهوری اسلامی در چارچوب اصل ۵۰ قانون اساسی با منطق توسعه پایدار به دنبال رسیدن به عدالت محیط زیستی است. این سوال وجود دارد که اگر مردم ایران در طول این چند دهه نتوانسته باشند آثار توسعه پایدار را ببینند و هرچه دیده‌ایم سقوط محیط زیست بوده. مردم با توجه به پتانسیل‌ها واقعیت‌های موجود برای کسب عدالت محیط زیستی در داخل کشور چه کاری می‌توانند بکنند؟

شاهین صادق‌زاده میلانی - واقعیت تلخ است. تا زمانی که جمهوری اسلامی هست واقعا [چه می‌توان کرد؟] در همین ایالات متحده هم سخت است و نبردی است که خیلی



وقت‌ها توی‌اش شکست بیشتر از پیروزی است. علتش هم واضح است. برای اینکه مردم در این لحظه شغلی داشته باشند و شرکتی سود داشته باشد، واقعیتی جلوی روی ما است و نفع‌اش [برای گروهی که بهره می‌برند] ولی آن ضرر محیط زیستی چیزی است که معمولاً ضررش جلوی چشم ما نیست که بتوانیم شرایط را مقایسه کنیم و در آینده اثرش را خواهیم دید. بنابراین خیلی از آدم‌ها ترجیح می‌دهند که الان کارشان را بکنند، پل را بسازند، شرکتی را تاسیس کنند یا جایی را حفاری کنند. [جلوی همه این کارها را گرفتن] سخت است، حتی در یک دموکراسی. این‌که شما بگویید که کاری که شما می‌خواهید بکنید هزینه‌های دراز مدتی دارد و در دراز مدت [به محیط زیست] آسیب می‌رساند.

اما در مورد مسائلی مثل دریاچه ارومیه و بحران آب به نقطه‌ای رسیده‌ایم و انتظار بدهیم که در آینده چه رخ خواهد داد [دیگر لزومی ندارد] ما به آن نقطه رسیده‌ایم که این اتفاق بد دارد می‌افتد. همین چند وقت پیش بود که عیسی کلانتری گفت که در آینده ۷۰٪ جمعیت ایران باید مهاجرت کند... یک رقمی بالایی را گفت... ما در ایران که در منطقه خشکی هم هست به آن نقطه داریم می‌رسیم. باز هم اگر جمهوری اسلامی همین امروز هم سقوط کند، دولت باید تصمیم‌های سختی بگیرد و باید در بخش کشاورزی اصلاحات عمده‌ای را انجام بدهد و حتی [بخش‌هایی از] کشاورزی را تعطیل کند و یا یارانه‌هایی را قطع کند. یا مثلاً در بحث انتقال آب، شهروندان منطقه‌ای که آب را تحویل گرفته به آن آب متکی می‌شوند، اگر شما بخواهید برای بهتر کردن وضعیت محیط زیست شرایط را به وضعیت قبلی بازگردانید، معترض خواهند شد. حتی اگر امروز در ایران شاهد حکومتی دموکراتیک باشیم، تصمیم‌های بی‌نهایت سختی در برابر حکومت قرار خواهد داشت و من نمی‌دانم چگونه این تصمیم‌های سخت باید گرفته شود.

حقوق ما - به همین تصمیم‌های سخت بعد از تغییر بپردازیم. برای اینکه ما تغییراتی به روش‌های اجرایی فعلی بدهیم به نحوی که به عدالت محیط زیست توجه کنیم و بخشی از نیروهایی که احتمالاً در آینده مسوولیت اجرایی خواهند داشت را هشیار کنیم و با توجه به چیزی که در سال‌های گذشته دیده‌ایم، همین افراد [در اپوزیسیون] کمترین توجه را به محیط زیست داشته‌اند که می‌تواند به‌خاطر داشتن علایق متفاوت هم باشد. به نظر شما چگونه باید با این افراد روبه‌رو شد به نحوی که به واقعیت منابع

طبیعی و عدالت محیط زیستی توجه کنند، و اینکه اگر در آینده برنامه‌ای برای اجرا داشته باشند، آن برنامه‌ها به محیط زیست آسیب نرسانند.

شاهین صادق‌زاده میلانی - من همیشه دیدگاهم این بوده که حتی در سیستم‌های دموکراتیک، سیاستمداران مجبور شوند سیاست درست را اتخاذ کنند. همه به خودی خود دوست دارند راحت‌ترین راه را دنبال کنند که کمترین دردسرها داشته باشد. چیزی که برای من نگران کننده است، این است که در آینده ایران ساختار سیاسی‌مان اگر خیلی دچار قوم‌گرایی و محلی‌گرایی شود، و شهروندان فقط آنجا مسائل خودشان را ببینند و نه در سطح ملی، این مشکل ساز خواهد شد. یعنی اگر منطقه‌ای دچار کم‌آبی است و بگویید چون ما آب نداریم، آب را باید از نقطه‌ای دیگر برای‌مان بیاورند، سرنوشت مردم مناطق حوضه آبریز مبدا چه خواهد شد؟ من فکر می‌کنم این راه حل سیاسی دارد و در آینده سازمان‌های محیط زیستی که در ایران آزاد شکل می‌گیرند، به شهروندان بگویند که ممکن است با یک پروژه نفعی کوتاه مدت ببرند ولی چنین کاری به مردمان ناحیه‌ای دیگر شدیداً آسیب می‌رساند. فرض کنیم که به کسی بگویند که ما اینجا سد می‌زنیم و تومی‌توانی باغت را داشته باشی، اما وضعیتی مثل آنچه در دریاچه ارومیه اتفاق افتاد رخ بدهد. باید رویکردی داشته باشیم که همه متوجه بشوند که همه ما در یک کشتی هستیم، اگر جایی را سوراخ کنی غرق می‌شویم، و تو اگر بخواهی به فکر نفع خودت باشی و با بخشی از کشتی قایق درست کنی، همه سقوط می‌کنیم. این دغدغه من است. حتی در ایران بعد از جمهوری اسلامی اگر سیستم دموکراتیک داشته باشیم، اگر در سطح محلی دعوایی داشته باشیم و دولت ملی بخواهد کاری کند که نه برای نفع کلی که برای راضی کردن بخشی از جامعه که زور بیشتری داشته باشد، هزینه‌ای را به عده‌ای تحمیل کند و به محیط زیست آسیب برساند، روند فعلی ادامه خواهد داشت. ما باید دموکراسی داشته باشیم. باید سازمان‌های مستقلی داشته باشیم. باید قوه قضائیه مستقل داشته باشیم که با دستورهای قضایی جلوی ساخت و سازهای غیرمجاز را بگیرد و در مرحله بعد شهروندان‌مان باید مسوول باشند و نفع ملی را به نفع محلی خودشان ترجیح دهند، و وقتی به مساله گرمایش جهانی می‌رسیم نفع ملی و محلی را ترجیح ندهند و این تصمیم بسیار سختی است.

تجربه کسب عدالت محیط زیستی

بومیان کانادا

حقوق مردم مناطق اطراف سدها



روزبه اسکندری، کارشناس سازه‌های آبی

می‌کند تا در این نکته اطمینان حاصل کند که اجرای این پروژه هیچ‌گونه آسیبی به محیط زیست نمی‌زند و حقوق محیط زیستی ساکنان اطراف را مختل نمی‌کند.

در سال‌های اخیر ساکنین بومی کانادا موفق شده‌اند مواردی از نقض حقوق محیط زیستی را در دادگاه‌های فدرال طرح کنند که در برخی از پرونده‌ها برنده هم شده‌اند. در حالی‌که حقوق محیط زیستی بومیان برای دهه‌ها نادیده گرفته شده بود، احقاق بخشی از حقوق این گروه و توجه به مسائل محیط زیستی‌شان، آنها را به دست‌یابی به عدالت محیط زیستی نزدیک‌تر کرده است. مواردی چون توقف پروژه‌ای خط لوله نفتی آلبرتا از مهم‌ترین این موارد است که در عین داشتن منابع زیاد مالی، به دلیل تبعات سوء زیست محیطی و گذشتن از سرزمین‌های ساکنان بومی معلق شده است. با این حال، هنوز همه آثار تبعیض نسبت به گروهی که بازمانده ساکنان اولیه سرزمین هستند، رفع نشده است.

سد White Dog Falls

این سد در سال ۱۹۶۵ ساخته شد. تاج این سد در مسیر جاده شماره ۵۲۵ قرار دارد و تنها مسیر ارتباطی منطقه

در این یادداشت که در دو بخش نگاشته شد، به حقوق محیط زیستی در کانادا و توجه شرکت نیروی/استان انتاریو به حقوق محیط زیستی ساکنان منطقه سد White Dog Falls به شکل اجمالی پرداخته شده است.

حقوق محیط زیستی در کشور کانادا

«حقوق محیط زیستی» به عنوان بخش مهمی در راستای تلاش برای ایجاد و نگهداری یک محیط زیست پاک و پایدار انگاشته می‌شود. گرچه هر آنچه مربوط به دسترسی به غذای سالم، شبکه ترابری گسترده، رفع آلودگی آب و هوا و خانه‌های ایمن می‌شود نیز در این بازه می‌گنجد.

در کشور کانادا و استان انتاریو وزارت منابع طبیعی (Ministry of Natural Resources) که به اختصار MNO نامیده می‌شود متولی و مسوول این است که پاسدار و نگهبان محیط زیست و حقوق محیط زیستی شهروندان باشد. در هر پروژه‌ای که در این استان اجرا می‌شود، MNO نماینده‌ای را به صورت ادواری به محل این پروژه اعزام

پرداخت حقوق مناسب و شرایط کاری پایدار.
* مشارکت دادن هیات امنای درباره‌ی سیاست‌های محیط زیستی مرتبط با سد وایت داگ فالز. این شورا اختیارات بیشتری حتی نسبت به OPG داشته و در مواردی دارای حق وتو هم هست.

* اطلاع‌رسانی مداوم و مستمر درباره‌ی هرگونه عملیات ساختمانی و اجرایی در منطقه، فرستادن اطلاعات به وبسایت هیات امنای ساکنان بومی در Reserve از چند روز قبل از بسته شدن مسیرهای تردد.

* باز کردن دریچه‌های کنترل آب سد در فصل تخم‌گذاری ماهی‌ها که به آنها امکان عبور از رودخانه می‌دهد.

برخورداری از عدالت محیط زیستی که شامل مشارکت دادن تمام افراد فارغ از نژاد، رنگ پوست، درآمد و اصالت است، سالیان سال به‌وسیله سفیدپوستان کانادا نسبت به اقلیت‌ها، به‌ویژه نسبت به بومیان این کشور نقض شده است.

امروز اما دولت کانادا در پی آن است که تا با جبران گذشته اطمینان یابد که تمام افراد، چه در اکثریت باشند و چه در اقلیت، توان تاثیرگذاری در شرایطی برابر را درباره مسائل محیط زیستی داشته باشند و عدالت محیط زیستی هم نقض نشود. بر این اساس، هرکسی باید بتواند از مزایای یک محیط زیست پایدار بهره‌مند شود تا فضایی متعادل برای زندگی، آموزش و کار ایجاد شود. در چنین فضایی تمام افراد جامعه قادر خواهند بود از آسیب‌ها و مخاطرات محیط زیست و سلامت به‌دور باشند و دسترسی یکسانی به سطوح تصمیم‌گیری درباره یک جامعه سالم و پاک داشته باشند. دولت فدرال کانادا و نهادهای تابعه آن، حقوق محیط زیستی تمام ساکنان این کشور و به‌ویژه ساکنان بومی را محترم می‌شمارد و مباحث محیط زیست، اقلیمی و آب آموزش داده می‌شود تا بتواند قسمتی از حقوق فراموش شده بازبایی شود و نگاه به توسعه پایدار در تک‌تک افراد جامعه نهادینه شود.



عکس: روزبه اسکندری OPG خود را به آن متعهد ساخته است:

* اختصاص درصدی از درآمد حاصل از تولید برق به هیات امنای ساکنان بومی واباسی‌مونگ که صرف آموزش، به‌سازی راه‌های دسترسی و تقویت شبکه‌های لوله‌کشی آب پاک می‌شود.
* استخدام نیروی کار از ساکنان بومی منطقه و التزام به

به شمال است. در زمان احداث این سد، هیچ‌گونه نظرخواهی‌ای از ساکنان بومی منطقه انجام نگرفت. در سال‌های بعد، پس از تغییراتی در سطح دولت استان انتاریو پروسه پیگیری حقوق نادیده گرفته شده ساکنان بومی به جریان افتاد. از مهم‌ترین این حقوق، حقوق محیط زیستی این ساکنان بومی بود که با تصرف شکارگاه‌های آنها و مسدود ساختن مسیر رودخانه‌ای بود که این ساکنین به‌صورت سنتی در آن ماهی‌گیری می‌کردند. نگارنده این سطور بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ به‌عنوان ناظر شرکت OPG در پروژه به‌سازی و بهینه‌سازی این سد مشارکت داشت و بر پایش محیط زیستی این پروژه نظارت کرده است. آنچه در زیر می‌آید چکیده‌ای است از آنچه شرکت

مدیریت آب در ایران:

مدیریتی که از عدالت محیط زیستی

دورتر و دورتر شده است

گفتگو با دکتر شهرام خلدی، مدرس تاریخ دانشگاه واترلو، کانادا

بررسی حکمرانی آب در ایران بدون توجه به آنچه مدیران آب در طی هزاران سال کاشته‌اند تا به روزگار فعلی برسیم، بخردانه نیست. دکتر شهرام خلدی، در ایران مسائل حقوقی آب و کشاورزی و حوزه‌های مرتبط را بررسی کرده بود و اینک، بعد از پایان تحصیلاتش در رشته علوم سیاسی و تاریخ در کانادا و انگلستان، نگاهی به تکامل عملکرد دولت‌ها در گذر زمان دارد.

حقوق ما - در مرداد ۱۳۹۹ وزیر نیروی جمهوری اسلامی از ارائه لایحه جدید قانون آب به مجلس شورای اسلامی خبر داد. این لایحه بعد از چند مرحله نهایتاً برای بررسی به مجلس سپرده شد. به عنوان یک پژوهش‌گر تاریخ تکامل مدیریت آب در ایران در طول دو هزاره گذشته را چگونه بیان می‌کنید؟

شهرام خلدی - تاریخیچه مدیریت آب در فلات ایران بی‌شک به دوران پیش از تاریخ باز می‌گردد. مع الوصف، مدیریت آب در فلات ایران با پادشاهی ماد در منطقه زاگرس و حوضه‌های آبریز شمال غربی و باختری آغاز می‌شود. ایرانیان کهن، مردمانی دام‌پرور و کوچ‌نشین بودند که از بیش از سه هزار سال پیش از آسیای مرکزی و قفقاز به فلات ایران سرازیر شدند. بنا بر برخی تخمین‌ها، نخستین شبکه کُهریز در ایران به سه هزار سال پیش باز می‌گردد که هم‌زمانی ساخت آن با ورود کوچ‌نشینان ایرانی که اسب‌ها و دام‌شان به شدت به آب نیازمند بودند محتاج پژوهش درباره شواهد تاریخی اقلیمی و زمین‌شناسی چنین کوچی و ساختار زیربنایی مدیریت

باختری و مرکزی و شمال غربی شاهنشاهی غربی از مختصات مهم لجستیکی این شاهراه بودند که همانا زیربنای غربی راه ابریشم شدند و در طول هزار سال در دوران پارتی و ساسانی تبدیل به شبکه پیچیده‌ای از کُهریزهای (کاریز/قنات) گوناگون گشتند که زمین‌های کشاورزی شرق و غرب زاگرس را از آراوات تا خلیج فارس سیراب می‌ساختند. ساسانیان به ویژه در جنگ‌های گوناگون آگاهانه و فعالانه افراد جمعی گروهان‌های مهندسی لژیون‌های رومی و بیزانسی را اسیر می‌ساختند و در ساختن بندهای گوناگون در فارس، خوزستان و میاندوآبان به کار می‌گماردند و پس از پایان این ساختمان‌ها به ایشان اجازه بازگشت به رم یا بیزانس می‌دادند. مدیریت آب در ایران در دوران اسلامی (هر سه دوران خلافت عربی، شهریاران ایرانی و دودمان‌های ترکی) همانا ادامه دوران پیش از اسلام بود. به استثنای دوره‌های کوتاه ایلخانی و تیموری و بازسازی‌های نابسامان شبکه کاریز در نتیجه برپایی نظام مغولی تیول، حملات ویرانگر مغولان و تیموریان و جنگ‌های سلسله‌های جایگزین ایشان شبکه کاریز فلات داخلی را در نواحی شرقی (خراسان مرکزی و جنوبی و سمنان و کرمان) و نواحی غربی آن (لرستان) دچار ویرانی نسبی کرد و تا دوران صفوی این شبکه‌ها روی بازسازی پیوسته و همه‌گیر نداشتند. در نیمه دوم دوران قاجاریه (اواخر دوران ناصری، انقلاب مشروطه، جنگ ویرانگر جهانی اول، و پایان احمد شاه) بار دیگر نگهداری و مدیریت شبکه کاریز در بسیاری نقاط دچار مخاطره و ویرانی نسبی شد و بازسازی بسیاری از نقاط آن بیست سال طول کشید (مجموعه دوران نخست وزیری رضاخان و شاهنشاهی رضا شاه). متأسفانه اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ دوران نوینی از به مخاطره افتادن نظام آبیاری کهن ایران را رقم زد.

از حدود نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه (ربع پایانی سده نوزدهم) تا نخست وزیری رضاخان، فروپاشی تدریجی نظام آبرسانی کهن کشور، خشکسالی‌ها، پاندمی‌های ناحیه‌ای و ملی، و قحطی‌های ناشی از جنگ داخلی در دوران مشروطه و جنگ اول جهانی، پیامدهای وخیمی برای زیستگاههای کشور داشت. توسعه نیافتگی و اینکه اکثریت جمعیت آن از عشایر و روستاییان بودند بویژه با قطع درختان و تخریب جنگل‌ها برای سوخت و نیز شکار حیات وحش در ایران برای تغذیه به شدت یکپارچگی محیط زیست کشور را تضعیف کردند.

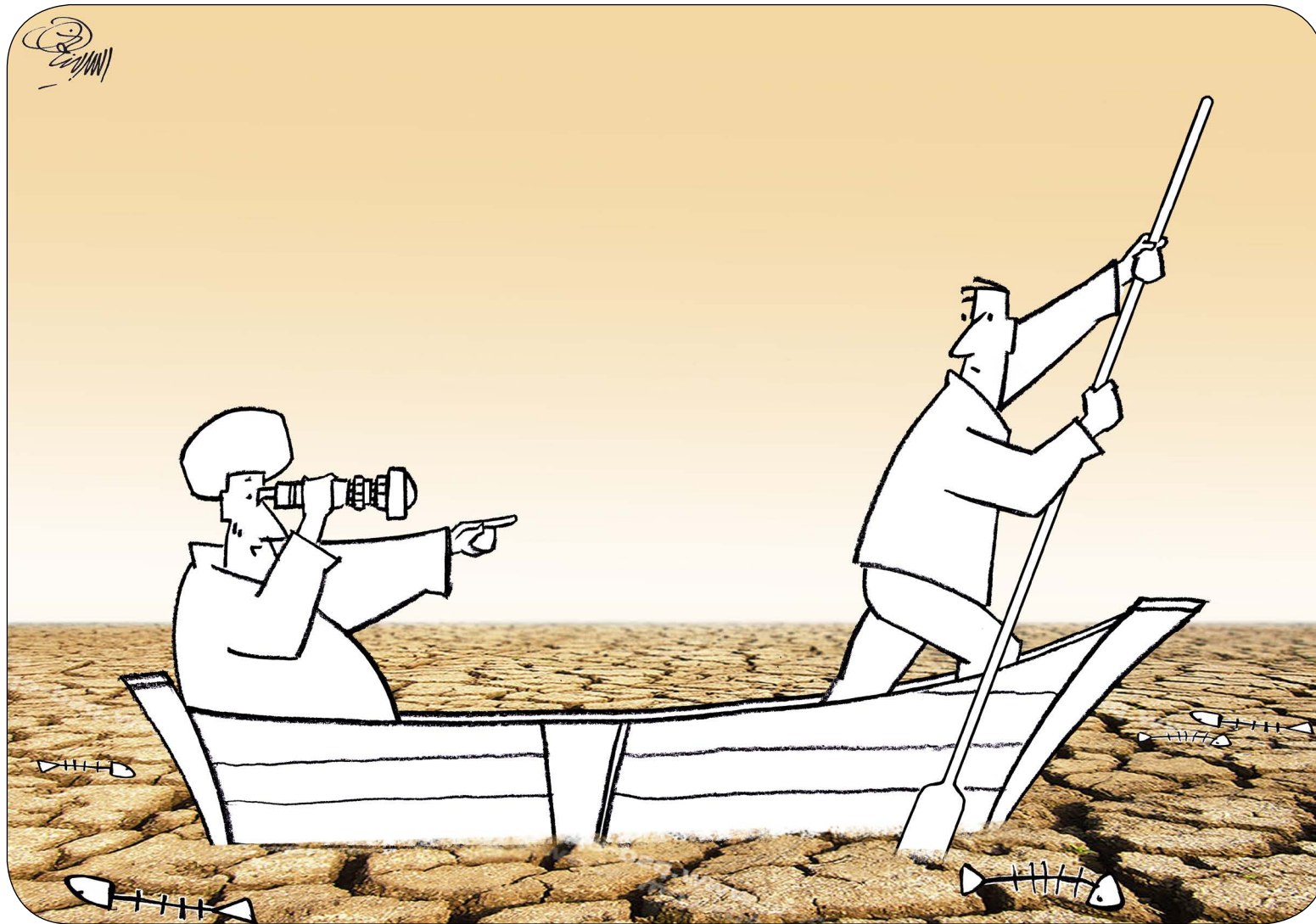
حقوق ما - درباره توسعه در حوزه مدیریت آب در دوران پهلوی چه می‌توان گفت؟

شهرام خلدی - از دیدگاه توسعه، در دوران رضاشاه نظام توسعه

آب در دوران پیش-ایرانی است. مادها با بنیان‌گذاری پادشاهی مستقلی از این اقوام ایرانی نه تنها معادلات قدرت در عهد عتیق را دگرگون کردند بلکه با جنگ‌های گوناگون با پادشاهی‌های لیدی (ترکیه امروز)، و آشور و بابل (در میاندوآبان) به توسعه ارتشی وابسته به فرآورده‌های کشاورزی و پرورش اسب پرداختند که بتواند دیگر اقوام ایرانی، یعنی پارسیان، را تحت کنترل آنان قرار دهد و پادشاهی‌شان را به کرانه‌های خزر و ماوراء قفقاز و کرانه‌های خلیج فارس گسترش دهد.

بر مبنای نوشته‌های یونانی، کنترل رودخانه‌ها و حوضه‌های آبریز از مهم‌ترین دغدغه‌های پادشاهی ماد در رقابت با همسایگان غربی‌اش بود. شورش کوروش دوم پادشاه پارس نه تنها درصدد به پایان دادن به سردمداری مادها بود بلکه تمام فتوحات دهه نخست آن کنترل تمام حوضه‌های آبریز خطه زاگرس تا خوزستان، فلات داخلی ایران، و حوضه‌های آبریز میاندوآبان را تحت فرمانروایی ایرانیان قرارداد. مطالعه دقیق تر نقشه راه شاهی و ایستگاه‌های پیک‌های راه شاهی نشان می‌دهد منابع آبریز و رودخانه‌های حوزه

طرح: اسد بیناخواهی



بر اساس برنامه‌ریزی‌های جامع ملی نبود. نوین‌سازی ایران بر پایه مشاوره اعضای هیات دولت و شاهنشاه و نظر به درآمد مالیاتی و نفتی کشور انجام می‌شد. در دوران رضا شاه، برای نخستین بار قوانین مربوط به حریم چاه‌ها و قنوت تصویب شدند و ساخت سدهای انحرافی خاکی یا بتونی یا با دریاچه فلزی در جلگه رودخانه‌های تالار، تجن، زاینده رود، کرخه، کارون، گرگان و حوضه آبریز دریاچه ارومیه آغاز می‌شود. وجه مشترک این نخستین تلاش‌ها در صنعتی کردن مدیریت آب در ایران، استفاده گسترده از پمپ‌های دیزلی آب است. این پمپ‌ها در همین دوران در عراق به نحو گسترده‌ای مورد استفاده بودند، و بهره‌برداری گسترده از آنها در این دوران رقم زننده آغاز دوران کشاورزی صنعتی در ایران و خاورمیانه است. اما زمینه پروژه‌های سدسازی دوران محمدرضا شاه با ساخته شدن سدهای انحرافی در خوزستان آغاز می‌شود.

دوران محمدرضا شاه را باید به سه دوره تقسیم کنیم: آغازین دوران اشغال تا ۲۸ مرداد، دوران میانی: ۲۸ مرداد تا شکوفایی درآمد نفت (۱۳۴۵)، و دوران شکوفایی ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶. در دوران آغازین مجموعه‌ای از درآمد ناچیز نفت و تنها کمک عمده خارجی به ایران، همان اصل چهار ترومن که از ۱۳۲۸ آغاز شد، نخستین ساختارهای زیربنایی صنعتی شدن مدیریت آب را رقم می‌زنند. اما در همین دوره علیرغم کمی بودجه، پروژه‌های به جا مانده از دوران رضاشاه، مانند تونل کوهرنگ درست پیش از آغاز اصل چهار به انجام رسیدند. به استثناء وقفه کوتاه ۱۳۳۱-۱۳۳۲ دوران میانی، آغاز تدریجی مدیریت آب ایران در سطح خصوصی و دولتی است. نخستین چاه‌های عمیق برای استفاده کشاورزی و آب آشامیدنی شهری در اواخر دهه ۱۳۲۰ و اواسط دهه ۱۳۳۰ به ترتیب در تهران و شیراز توسط بخش خصوصی زده شدند و برنامه توسعه کشور که در سازمان برنامه توسط ابوالحسن ابتهاج در ۱۳۳۵ پی ریزی شد نخستین تلاش هماهنگ و پیوسته برای ایجاد یک شبکه آبرسانی سراسری منسجم برای استفاده‌های شهری، صنعتی و روستایی بود که جغه تاج این شبکه آبرسانی منسجم پروژه ساخت سدهای گوناگونی در سراسر کشور بود. دوره میانی با تصویب اصول ششگانه انقلاب سفید، دوران نوینی را که با اصلاحات ارضی به هر چه پیچیده تر شدن مساله مدیریت آب می‌انجامد رقم زد. آنچه در مورد دوره میانی شایان ذکر است تأسیس بنگاه آبیاری کشور در ۱۳۳۲ و گسترش شبکه چاه‌های عمیق در سراسر کشور توسط هر دو بخش خصوصی و عمومی و تشکیل شرکت‌های تعاونی زراعی است. فلات داخلی و نظام کهن آبیاری آن بیش از هر دوره دیگری در این دوران دچار نابسامانی شدند. از سویی، تقسیم اراضی در



حقوق ما - وضعیت مدیریت آب در دوران بعد از انقلاب چگونه بود؟

اگر دوران شکوفایی پهلوی رقم زننده توسعه بسامان خرد و نابسامان کلان در حوزه آبرسانی و عدالت زیست محیطی بود، عدم هماهنگی میان حفاظت محیط زیست (که اصل ۵۰ قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی بدان اختصاص داده شد) و نظام توسعه کشور در ۴۰ سال اخیر به اوج رسید. در دهه اول جمهوری اسلامی، جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی با هدف خودکفایی، با ساخت سدهای انحرافی گوناگون و گسترش شبکه چاه‌های عمیق زمینه فاجعه از دست رفتن خزائن آب زیرزمینی هزاران ساله کشور را فراهم آوردند. پس از جنگ، در دوران معروف به سازندگی، نه تنها افزایش بی رویه جمعیت که پروژه‌های گوناگون سدسازی که بدون هرگونه توجه به مطالعات کارشناسی توسعه پایدار آب و عواقب زیست محیطی توسط قرارگاه خاتم الانبیاء و سپاه پاسداران

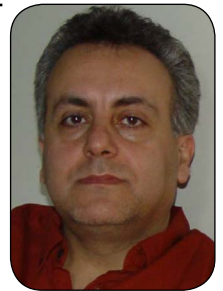
آغاز شدند، روندی که تا به امروز ادامه دارد، کشور را در آستانه سرایشی کم آبی و خشکسالی قرار دادند. از اوائل دهه ۱۳۸۰ که تأثیرات خشک‌زایی جهانی تغییرات اقلیمی یکی از طولانی‌ترین دوران خشکسالی دویست سال اخیر در ایران را رقم زده است، بهره‌برداری بی‌رویه از حوضه‌های آبریز دریاچه‌ها و نیز حوضه‌های آبریز زاینده رود، کارون، و اروندرود، موجب فروغلبیدن ایران به یکی از بزرگ‌ترین فاجعه‌های زیست محیطی در منطقه و جهان شده است و محرومیت میلیون‌ها ایرانی بخصوص در استان‌های شرقی، جنوبی و جنوب غربی از دسترسی به آب آشامیدنی و آب کشاورزی و نیز قرار داده شدن ایشان در معرض طوفان‌های موسمی ریزگردها و بروز فاجعه شیوع بیماری‌های تنفسی ناشی از آن در همه این مناطق شده است. بسیاری از گونه‌های بومی وحش ایران یا در این دوره بکلی منقرض شده‌اند یا در آستانه انقراض‌اند.

حقوق ما - با توجه به همین سابقه، آیا مدیران ارشد جمهوری اسلامی در برنامه‌های آبی خود نگاهی هم به عدالت محیط زیستی با مفهوم جهانی آن دارند؟

شهرام خلدی - طرح‌هایی مانند قانون جامع آب یا ادغام سازمان محیط زیست در وزارت نیرو حاکی از آن است که دولت اساساً درکی از مفهوم عدالت زیست محیطی که همانا ارتقاء مناسبات مشترک پایدار میان جوامع انسانی، حیات وحش و منابع زیستی پایه (محافظت از منابع آب و ارتقاء خاک و هوای غیرآلوده و حفاظت از جنگل‌ها و کمربندهای سبز) ندارد. نه تنها کشور از لحاظ حکمرانی نیک و بسامان دچار نابسامانی فاجعه آمیزی بوده است که از لحاظ سیاست خارجی دچار چنان نابسامانی‌ای است که حاکی از عدم وجود یک سیاست راهبردی منطقه‌ای درباره منابع آب و یک دکترین امنیت ملی آب و امنیت ملی زیست محیطی برای کشور است. فقدان هرگونه تعامل راهبردی متمرکز بر این ملاحظات با کشورهای همسایه، بویژه ترکیه و عراق و افغانستان که فعالیت‌های سدسازی‌شان از سویی موجب به مخاطره افتادن حوضه‌های آبریز در ایران شده و از سوی دیگر موجب به خطر افتادن مانایی منابع زیرزمینی آب در کل منطقه شده است. عدم وجود هر گونه دکترین امنیت ملی آب و امنیت ملی زیست محیطی لاجرم منجر به اتخاذ پاسخ‌ها و سیاست‌های واکنشی در این حوزه‌ها شده و انتظار می‌رود که دولت حاکم بر ایران با ادغام سازمان حفاظت محیط زیست در وزارت نیرو به سوی عملیاتی کردن یک سیاست امنیت حکومتی برای آب و محیط زیست پیش میرود نه یک سیاست امنیت ملی عدالت مدار زیست محیطی.

عدالت محیط زیستی، آب و

شهروندان ایرانی



احسان دانشور، مدرس دانشگاه

و کارشناس آب و کانی‌های رسی

مبحث عدالت محیط زیستی در زمان حاضر به یک موضوع کاملاً تخصصی در زیر گروه دانش محیط زیست و فلسفه وجودی آن تبدیل شده است که در پیوند نزدیک و همراه با مباحث اقتصاد و توسعه پایدار سه اصل زیربنایی توسعه جوامع بشری هستند. اخیراً موضوع بحث یکی از سلسله جلسات گفتگوهای محیط زیستی، کند و کاو در خصوص اخلاق و اتیکت‌های محیط زیستی بود و این اتفاق نظرو وجود داشت که عدالت محیط زیستی یکی از کلید واژه‌های بررسی و مطالعه اخلاق در محیط زیست است. لذا جهت تبیین ارزش‌ها و اصول مرتبط با اخلاق محیط زیست ابتدا باید عدالت محیط زیستی را شناخت.

در متون مرتبط با عدالت محیط زیستی مکرراً به این نکته اشاره شده که هرگونه توسعه، عملیات و اجرای پروژه‌ها، ایجاد و وضع قوانین و نهایتاً بررسی امور حقوقی و کیفری همگی می‌بایست در بگیرنده مشارکت و منافع همه اقشار جامعه هدف، فارغ از رنگ، نژاد، دین، ثروت باشد. اما تحقیقات نشان داده است که جوامع و افراد کم درآمد به‌طور نامتناسبی در معرض خطرات محیط زیستی از جمله آلاینده‌های

شیمیایی و آلودگی هوا و آب و خاک هستند که ناشی از زندگی یا کار در نزدیکی منابع آلوده کننده است. جوامع کم درآمد و حاشیه نشین‌ها در سراسر جهان به‌طور نامتناسبی در معرض خطرات اکولوژیکی ناشی از آلودگی حاصل از معادن، کشاورزی و تغییرات آب و هوایی جهانی قرار دارند. سوال اینجا است که ساکنان و شاغلانی که در معرض آلودگی‌ها و خطرات ناشی از آن قرار دارند آیا مزیت نسبی برخورداری از مزایای این فعالیت‌ها را نیز دارند؟ به‌طور مثال، آیا مردم شهراوه‌ها و استان خوزستان که در معرض آلودگی‌های سمی حاصل از فعالیت‌های صنعت نفت و گاز و فولاد و نیشکر قرار دارند از مزیت اقتصادی و اجتماعی بیشتری و یا حتی برابر به نسبت مردم تهران یا تبریز برخوردارند؟ متأسفانه جواب منفی است. نه تنها مردم استان خوزستان از مزیت بیشتری برخوردارند بلکه به‌طور سیستماتیک دچار تبعیض و عدم حمایت هم هستند. آمار رسمی مربوط به بیکاری، فقر، امکانات ناقص و کمبود پزشک و خدمات بیمارستانی و بهداشتی، امنیت غذایی، آب سالم، شبکه جمع‌آوری فاضلاب، حمل و نقل شهری، و ده‌ها مورد دیگر همگی شاهدهی بر این مدعا خواهند بود.

آب به‌عنوان یک سرمایه ارزشمند استراتژیک در مقیاس محلی، استانی، کشوری و بین‌المللی در اکثر کشورهای در

طرح: افشین سیوکی



حال توسعه در معرض آلودگی شدید و تهدید کمیتی و کیفیتی قرار دارد و یک معضل رو به رشد و به عنوان تهدید بالقوه گسترش شکاف‌های سیاسی- اجتماعی محسوب می‌شود. در این راستا، با توجه به رشد روزافزون جمعیت‌های شهری و حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ در ایران و اتمام بخش قابل توجهی از منابع غیر قابل احیا، بیش از پیش مساله مدیریت جامع و یکپارچه منابع آبی و بهره‌برداری از آن بعنوان یک منبع توسعه پایدار مطرح شده است. آب یکی از سه عامل اصلی تشکیل و بقای محیط زیست است و بیش از هر زمان دیگر مورد توجه قرار گرفته. اهمیت این مساله به خاطر نیاز روزافزون و پایین آمدن کیفیت آب در نتیجه سهل انگاری و سودجویی افراد و سازمان‌ها روز به روز افزایش یافته، به نحوی که می‌تواند در آینده نزدیک باعث مسائل حاد سیاسی و اجتماعی شود.

آب مصرفی تهران عمدتاً توسط سه سد لار، لتیان و کرج و بخشی از آن از منابع زیرزمینی آبخوان تهران تامین می‌شود. افزایش قابل توجه نیاز آبی شهر تهران در سال‌های اخیر به دلیل ظرفیت محدود تاسیسات انتقال آب از سدها باعث ایجاد مشکلات کمی و کیفی شده است. دفع فاضلاب از طریق چاه‌های جذبی علاوه بر تغذیه آبخوان، تعادل طبیعی آبخوان را بر هم زده و آلودگی شیمیایی و میکروبی آن را به دنبال داشته است و این وضعیت، محدودیت‌هایی را در بسیاری از مناطق برای برداشت آب ایجاد کرده است. مشکلات محیط زیستی متعددی که در نتیجه توسعه بی‌رویه شهر تهران ایجاد شده بیشترین تاثیر منفی را در مناطق جنوبی و حاشیه نشین جنوبی شهر به جا گذاشته است. زه‌دار شدن بخش قابل توجهی از اراضی کشاورزی، استفاده زارعین از آب آلوده نه‌های جنوب شهر برای آبیاری محصولات کشاورزی، آلودگی شدید نیتريت و نیتراتی آب شرب مصرفی در منازل مسکونی این مناطق، نشت فاضلاب به آب شرب از طریق لوله‌های پوسیده آب‌رسانی شهری از جمله این تاثیرات منفی است که شهروندان مرفه مناطق شمالی شهر در مقایسه با شهروندان مناطق مرکزی و جنوبی تهران به‌طور نسبی با آن روبرو نیستند. آب حاصل از چاه‌ها و قنوت در شهرک‌های جنوبی تهران (مناطق با درصد بیکاری و فقر بالا و امنیت بهداشتی، اجتماعی و آموزشی پایین) آلوده به آلاینده‌های معدنی (فلزات سنگین، عناصر سمی)، آلاینده‌های آلی و فرآورده‌های نفتی حاصل از نشت نفت از مخازن پالایشگاه

تهران است که باعث بروز مشکلات بهداشتی و مخاطرات سلامتی برای ساکنین این مناطق شده، در حالی‌که وجود این آلاینده‌ها در آب‌های مصرفی ساکنین شمال شهر تهران نزدیک به صفر است.

شهرداری تهران در سال‌های اخیر با صرف هزینه‌های هنگفتی نسبت به مدیریت، کنترل و جمع‌آوری آب‌های سطحی و نه‌های فصلی تهران اهتمام زیادی داشته است به‌طوری‌که برای انتقال جریان‌های سطحی شمال شرق دشت تهران که شامل رودخانه‌های دربند، شاه‌آباد، ولنجک و آب قنوت موجود در ناحیه است، آن‌ها را توسط کانال‌هایی به شهرک سلیمانیه منتقل نموده و سپس به مسیر سرخه حصار وارد و هدایت می‌کند. با توجه به اینکه فاضلاب‌های شهری قبل از اتمام سیستم جمع‌آوری فاضلاب به این کانال‌ها هدایت می‌شد، کیفیت آب در قسمت‌های جنوبی شهر به شدت و به شکل خطرناکی آلوده بود و شدت آن بحدی بود که برای کشاورزی نیز غیر قابل مجاز تشخیص داده شده بود و در تابستان به دلیل گرمای هوا شاهد افزایش بیماری و مشکلات بهداشتی در این مناطق عمدتاً فقیرنشین بودیم، اگرچه امروزه میزان آلودگی به دلیل ایجاد سیستم جمع‌آوری فاضلاب در مناطق بالادست (کاهش فاضلاب ورودی) کمتر شده اما همچنان برخلاف مناطق شمالی شهر، این کانال در جنوب شهر به صورت روباز و عامل پخش کننده آلودگی است. این موارد عیناً در کانال‌های مناطق مرکزی و غربی تهران نیز دیده می‌شود به نحوی که آب‌های سطحی که به جنوب دشت تهران سرازیر می‌شوند همگی دارای اختلاف فاحش در کیفیت شیمیایی (نظیر هدایت الکتریکی و شوری، مواد محلول در آب، سختی آب) و میکروبیولوژیکی (باکتری‌ها و عوامل بیماری‌زا) در مقایسه با مناطق شمالی شهر هستند. اگر به زمین‌شناسی دشت تهران نگاه کنیم متوجه می‌شویم که سرچشمه آب‌های جاری دشت تهران، ارتفاعات شمالی شهر است که به لحاظ جنس سنگ‌ها، سازندهای شور در آن دیده نمی‌شود. اما در قسمت جنوبی دشت رسوبات ریز آبرفتی وجود دارند که باعث افزایش مدت زمان مجاورت آب و خاک شده و مواد محلول در آب بالا می‌رود. عامل دیگر افزایش املاح و مواد معدنی در اثر نفوذ فاضلاب‌های شهری است که در حال حاضر بخش وسیعی از نواحی مرکزی و جنوبی شهر را آلوده کرده است.

به شهرهای دیگر است. ارزش افزوده و تولید ثروت حاصل از فعالیت‌های صنعتی موجود در این مناطق که باعث ورود آلاینده‌ها به خاک، هوا و آب ساکنین این مناطق می‌شود به‌طور نامتناسب جهت توسعه به مصرف خواهد رسید و سهم بودجه‌ای خوزستان از این منابع در مقایسه با زیان وارد شده به محیط زیست و سلامتی مردم آن بسیار ناچیز است.

جا دارد که به این نکته مهم اشاره شود که محققان در راستای برقراری عدالت محیط زیستی به دو نوع عدالت توزیعی و عدالت مشارکتی می‌پردازند. عدالت توزیعی تصریح می‌کند که با برقراری یک سازوکار اجرایی برای بهره‌مند ساختن ساکنین از مزایای فعالیت‌هایی که انجام آن باعث آسیب و تخریب محیط زیست انسانی و غیرانسانی شده است می‌توان از رنج قضیه کاست. بنابراین تصمیم‌گیران مدل‌های توسعه اقتصادی-سیاسی-اجتماعی قبل از هرگونه تایید و اجرایی شدن پروژه‌هایی که آسیب و تخریب محیط زیست را به دنبال دارد باید پروژه‌هایی را به‌طور موازی در جهت کاهش آسیب‌ها نیز اجرایی کنند. انکار این امر به معنی پذیرش نژادپرستی، طبقه‌گرایی و نفی ارزش‌های اخلاقی برابر مردم است.

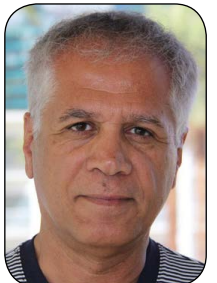
عدالت مشارکتی به معنای مشارکت در تصمیم سازی است توسط کلیه افرادی که تحت تاثیر مستقیم آسیب‌های حاصل از تصمیم اجرای پروژه قرار خواهند گرفت. در کشورهای در حال توسعه مردم مناطق متاثر از آسیب‌های محیط زیست در تصمیم سازی جهت تایید پروژه‌های اقتصادی نقشی ندارند که این نقض عدالت مشارکتی است. محققان عدالت محیط زیستی مشارکت کامل و معنادار به وسیله افرادی که ممکن است سلامت و رفاه آن‌ها در تصمیم گیری‌های محیط زیستی تاثیر پذیرد را توصیه کرده‌اند. علاوه بر این خطرات و آسیب‌های محیط زیستی از نظر جغرافیا یا زمان محدود نیستند. شرایط اکولوژیکی افرادی که هنوز متولد نشده‌اند تحت تاثیر شیوه‌های زندگی و سیاست‌های فعلی ماقرار دارد، بنابراین جنبه دیگری از عدالت محیط زیستی در نظر گرفتن منافع شهروندان ایرانی است که در آینده ساکن این سرزمین خواهند شد. اینجا است که ایده توسعه پایدار و اندازه‌گیری دقیق پارامترهای آن فصل مشترک برقراری عدالت اجتماعی شهروندان حال و آینده این سرزمین خواهد بود.

مطلب فوق مشخص می‌کند که تبعیض محیط زیستی بین مناطق برخوردار و کم‌برخوردار و حاشیه‌نشین در منطقه تهران به شدت مشاهده می‌شود و این شکاف در زمینه آلودگی محیط زیست و برخورداری نامتناسب از آب سالم جهت مصارف شرب، کشاورزی و صنعتی بروز می‌کند. با توجه به این‌که هزینه تصفیه فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی آب جهت رسیدن به استاندارد لازم برای مصرف ایمن به مراتب بسیار بالاتر از آب مصرفی در مناطق شمالی است، لذا در این مناطق به دلیل نداشتن جایگاه در قدرت چانه زنی سیاسی و اقتصادی تامین هزینه‌های فوق با مشکل مواجه می‌شود و منابع مصرفی آب از کیفیت مناسب برخوردار نیستند.

همچنین ذکر شد که شهرداری و ادارات و شرکت‌های دولتی با صرف هزینه‌های هنگفت در جهت بهبود کیفیت آب، جمع‌آوری فاضلاب، جمع‌آوری آب‌های سطحی و کنترل سیلاب در پایتخت اقدامات زیادی انجام داده‌اند، اما در عین حال شهرهای دیگر کشور به‌ندرت از چنین توجهی برخوردار بوده و نبود مدیریت منسجم و بودجه کافی و برنامه‌ریزی موثر باعث شده که تبعیض بین شهرهای بزرگ و پرجمعیت کشور با شهر تهران آشکار است. به‌طور مثال اهواز، به عنوان مرکز استان خوزستان یکی از آلوده‌ترین شهرهای کشور از نظر آب و هوا است و در عین حال با توجه به موقعیت شهر اهواز و نقش این استان در ایجاد ثروت ملی (صنایع نفت و گاز، پتروشیمی، فولاد، کشاورزی، شیلات و توریسم) به‌طور فزاینده در معرض آلاینده‌ها قرار دارد. ورود آلاینده‌های حاصل از فعالیت‌های صنعتی به هوای مورد استنشاق ساکنین، هجوم ریزگردهایی با منشأ داخلی و خارجی و باران‌های اسیدی همگی علاوه بر ایجاد بیماری‌های تنفسی و پوستی، امکان تشدید بیماری‌های زمینه‌ای را هم فراهم می‌کند. آلودگی منابع آب موجود (مصرف خانگی، آب سطحی، تداخل فاضلاب با آب سطحی در هنگام سیلاب و بارش‌های شدید) و انتقال آب از سرشاخه‌های کارون عمده‌ترین و مشکل‌سازترین معضل حال حاضر ساکنین است. از آنجایی که طرح‌های اجرایی آمایش سرزمین و پیشگیری از آلودگی محیط زیست وجود ندارد یا اجرایی نشده است و از طرف دیگر افزایش فعالیت‌های صنعتی و تجاری بدون در نظر گرفتن اهداف توسعه پایدار صورت می‌گیرند متأسفانه میزان تخریب محیط زیستی روندی افزایشی دارد و یکی از تبعات آن مهاجرت ساکنین برخوردار

باید برای رسیدن به عدالت محیط

زیستی جنگید



محمد تاج‌دولتی

گفتگو با کاوه مدنی، پژوهش‌گر مرکز مک‌میلان دانشگاه ییل

است. در نهایت آب یک منبع با ارزش است که در سطوح مختلف توسط دولت‌ها (محلی، ایالتی، استانی و ملی) باید به خاطر ارزش ذاتی‌اش محافظت بشود و به‌عنوان یک منبع طبیعی و لایتناهی، و از طرف دیگر باید حقوق اولیه را تامین کند. وقتی راجع به حقوق انسانی و حقوق بشر صحبت می‌کنیم، منظور در اکثر موارد میزان آبی است که باید نیازهای اولیه آبی و بهداشتی یک انسان را تامین کند، یعنی آبی که نیاز دارد بخورد و با آن استحمام کند، بشوید، بهداشتش را رعایت کند. این آب بسیار کم است، با این حال در بسیاری از نقاط دنیا همین هم نقض می‌شود. از این که فراتر بروید، همین آب تبدیل به یک کالای اقتصادی می‌شود با آن می‌تواند تجارت و تولید (در بخش کشاورزی) کرد و در بخش شهری می‌توان نیازها را برطرف کرد و در بخش صنعتی می‌توان با آن کالا تولید کرد. وقتی آب تجاری می‌شود، رقابت بر سر آن افزایش پیدا می‌کند. جاهایی که حق آبه‌ها به درستی مدیریت نمی‌شود و یا سیستم حق آبه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد این حقوق می‌تواند نقض بشود. جاهایی که دولت‌ها قدرت ندارند و یا از معضل توسعه ناهمگون و نامتوازن رنج می‌برند، این موضوع گسترده‌تر می‌شود. در جاهایی از دنیا هم دولت‌ها توانایی اقتصادی برای فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای تامین آب شهروندان را ندارند، از جمله در مناطقی در آفریقا که به آن

کاوه مدنی برای دل‌نگرانیان محیط زیست نامی شناخته شده است. او بعد از سال‌ها آگاهی‌بخشی در مورد مشکلات آب ایران، برای مدتی کوتاه مسوولیت معاونت سازمان حفاظت محیط زیست در دولت دوم روحانی را پذیرفت، اما به شهادت اتفاقاتی که در دوره مدیریتش افتاد، سیستم جمهوری اسلامی او را نپذیرفت. کاوه مدنی اینک پژوهش‌گر مرکز مک‌میلان دانشگاه ییل است و با فعالیتش در شبکه‌های مجازی و رسانه‌ها آگاهی‌بخشی محیط زیستی را با جدیت دنبال کرده و بسیاری از مخاطبان را با مفاهیم مرتبط با عدالت محیط زیستی آشنا می‌کند.

حقوق ما - در طی ده‌های اخیر تحولاتی باعث شده که آب به عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخته شود. با این حال در بسیاری از نقاط جهان، این حق نقض شده و نحوه توزیع و تامین آب کماکان تبعیض آمیز است. چه عواملی باعث ادامه روند کنونی است؟

کاوه مدنی - ما از یک طرف آب را به عنوان یک حق اولیه بشری می‌شناسیم، اما همان معاهداتی که آب را به‌عنوان یک حق اولیه می‌شناسند، می‌گویند که آب یک کالای اقتصادی

حقوق ما - شما و همکاران تان سال‌ها قبل تاکید کردید که ایران دچار ورشکستگی آبی است. آیا این ورشکستگی سهمی در نقض حقوق آبی مردم دارد؟

کاوه مدنی - قطعاً وقتی کشوری برای تامین نیازهای اولیه و تامین نیازهای آبی‌اش دچار مشکل می‌شود، تبعیض در آن بیشتر خواهد شد. می‌بینیم وقتی کشورهایی دچار مشکل اقتصادی هستند، بحث نابرابری اقتصادی در آنها بیشتر مطرح می‌شود، بحث فساد بیشتر می‌شود، عدم شفافیت بیشتر می‌شود، به‌خصوص در نظام‌هایی که خیلی همه‌چیز را عیان نمی‌کنند و اطلاعات را با مردم به‌اشتراک نمی‌گذارند. در حوزه آب هم همین‌طور است، وقتی که شرایط ورشکستگی آبی پیش می‌آید در مثل ورشکستگی اقتصادی، برنده قدرتمندها هستند و آنهایی که قدرت بیشتری دارند، حالا چه شهرهایی باشند که بتوانند آب را از مناطق اطراف سمت خود بیاورند، چه صنعت، و چه دولت‌هایی که تبعیض قائل می‌شوند، مجلسی که می‌تواند در مصوباتش ایجاد تبعیض کند. وقتی آب و موجود آب محدودتر می‌شود، قشرهای ضعیف و قشرهای آسیب‌پذیرتر بیشتر آسیب می‌بینند. سال‌ها است که در همه جای جهان فراید می‌زنیم و حتی در بحث تغییرات آب و هوایی هم این گفته می‌شود که کشورهای ضعیف‌تر بیشتر آسیب می‌بینند و مردمانی که از لحاظ اقتصادی ضعیف هستند، بیشتر از خطر را حس می‌کنند. در بحران کووید-۱۹ هم دیدیم که کشورهایی که ضعیف‌تر و فقیرتر بودند، بیشتر کشته دادند و بیشتر کشته خواهند داد و حتی از تامین واکسن بدون تبعیض هم ناتوان هستند و واکسن تنها بخش خاصی می‌رسد.

حقوق ما - در بسیاری از مواقع در بحث آب و انسان، حق محیط زیست نادیده گرفته شده، چه کسی از حقوق محیط زیست دفاع می‌کند؟ نادیده گرفته شدن حق محیط زیست چه اثری روی انسان‌ها دارد؟ آیا ربط مستقیمی میان حقوق بشر و حقوق محیط زیستی وجود دارد؟

کاوه مدنی - قطعاً میان سلامت انسان و سلامت محیط زیست ارتباطی وجود دارد. ما در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده‌ایم که خیلی خوب می‌دانیم اگر شرایط محیطی سالم نباشد، انسان‌ها سالم نخواهند بود. آلودگی هوا را دیده‌ایم، گرد و غبار را دیده‌ایم، از

فقر اقتصادی آبی یا فقر آبی اقتصادی می‌گویند.

اما در کشورهایی مثل کشور خودمان (ایران) توسعه نامتوازن و ناهمگون داشته‌ایم هم این اتفاق افتاده است و می‌بینیم و می‌شنویم آنچه که در خوزستان و سیستان و بلوچستان رخ داده که گاه مردم آب آشامیدنی ندارند، یا به آب لوله‌کشی و آب پاک دسترسی ندارند و حقوق اولیه‌شان تامین نمی‌شود. در هر صورت این اتفاق محصول توسعه نامتوازن، فقدان قدرت دولت‌ها (قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت مدیریتی)، فساد، عدم شفافیت و فقدان عدالت است.

حقوق ما - به نظر شما چگونه می‌توان روند تبعیض در توزیع آب را متوقف کرد؟

کاوه مدنی - خب بستگی دارد به اینکه راجع به کجا داریم صحبت می‌کنیم. اگر راجع به دولت‌هایی داریم صحبت می‌کنیم که فقر اقتصادی دارند و دچار مشکلات عدیده اقتصادی هستند و نمی‌توانند زیرساخت‌های‌شان را فراهم کنند، کمک‌های اقتصادی و تقویت بنیه اقتصادی و حتی فراهم کردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای کسانی که می‌توانند به این روند کمک کنند - روند تامین آب و برداشت سود اقتصادی - که شرایط برد-برد فراهم شود. در جاهایی که مشکل به خاطر توسعه نامتوازن است، اصرار بر توسعه متوازن و فریاد زدن و به‌تصویر کشیدن آن چه اتفاق می‌افتد و به‌تصویر کشیدن نابرابری برای اینکه این مساله مستند شود و دیده شود، و دولت‌ها بازخواست شوند بابت اینکه به سمت توسعه متوازن نمی‌روند، کمک‌های مردمی و مشارکت‌های مردمی می‌توانند موثر باشند. در کشور خودمان در سال‌های اخیر دیده‌ایم که فعالین و مردم در برخی موارد ورود کرده‌اند و با انجام کارهای ساده مثل ساختن منبع آب یا حصارکشی برکه‌ها و کارهای مشابه توانسته‌اند به تامین این حقوق اولیه کمک کنند.

وقتی صحبت از فقدان عدالت، صحبت از نیاز به شفافیت و صحبت از به رسمیت شناختن حق آبه‌ها می‌شود، نشان می‌دهد که باید نظام‌های حقوقی تثبیت شوند، نهادهای مشارکتی یا دولتی باید طراحی شوند تا بتوانند این مسیر را طی کنند و ضمن تامین آب، آن را عادلانه توزیع کنند.

بین رفتن دریاچه‌ها را دیده‌ایم، از بین رفتن آب زیرزمینی را دیده‌ایم، آلودگی خاک را دیده‌ایم، از بین رفتن جنگل‌ها را دیده‌ایم. این سوال پیش می‌آید که متولی حفاظت از محیط زیست کیست؟ از لحاظ حقوقی همیشه دولت‌ها هستند که باید از محیط زیست محافظت کنند، اما در مسیر توسعه دولت‌ها اول به دنبال گسترش اقتصاد و کارآفرینی هستند. می‌خواهند اشتغال‌زایی کنند، رشد کنند و محیط زیست را نادیده می‌گیرند. بعد، بیداری محیط زیستی رخ می‌دهد، اقتصادها قوی‌تر می‌شوند، می‌توانند خودشان را دگرگون و فشار را بر منابع طبیعی کمتر کنند و به مرور زمان از یک سو بیداری اجتماعی، کنشگری و فعالیت بیشتر و بازخواست مردم، و از سوی دیگر افزایش قدرت اقتصادی، تنوع اقتصادی، دسترسی به تکنولوژی می‌تواند فشار را بر منابع طبیعی کمتر کند، به شرطی اقتصادها به آن مرحله از شکوفایی برسند.

باز دوباره جایی که اقتصادها دچار مشکل می‌شوند، اقتصادها نمی‌توانند خودشان را تکان بدهند و سالم باشند و براساس استانداردهای بین‌المللی و نوین عمل کنند، محیط زیست هم بیشتر آسیب خواهد دید. حالا اینکه دسترسی به محیط زیست سالم حق بشر است یا خیر؟ بله! حق بشر است و این حق در بسیاری از نقاط جهان نقض می‌شود از جمله کشور ما و متأسفانه پروتکل‌هایی که رده جهانی برای مقابله با این قضیه وجود دارد هنوز قوی نیست. گفتمان سیاسی دنیا هنوز آنقدر قوی نشده که بتواند جلوی قدرت‌های اقتصادی بایستد و دولت‌ها را بابت کارهایی که می‌کنند به دادگاه‌ها بکشاند. اگر بخواهیم چنین کنیم، تعداد محکومان بسیار زیاد است، از جمله اقتصادهای قوی دنیا که شرایط امروز دنیا را در بحث گرمایش جهانی رقم زده‌اند با آلودگی‌های گسترده‌ای که در سطح جهان به وجود آمده و نتوانسته‌ایم اینها را هنوز محکوم کنیم در واقع کسانی که مرتکب این اعمال شده‌اند را نتوانسته‌ایم پای میز محاکمه بکشانیم.

فعلاً دنیا در تلاش است که این حق را به رسمیت بشناسد و دولت‌ها را به شکلی داوطلبانه به تغییر رفتار و تغییر رویه ترغیب کند، یعنی با درک و بلوغ تغییر رفتار بدهند نه با چماق. فعلاً از هویج دارد استفاده می‌شود!

حقوق ما - در مباحث مرتبط با محیط زیست و حقوق محیط

زیست به «عدالت محیط زیستی» می‌رسیم. مفهوم عدالت محیط زیستی از کجا آمده؟

کاوه مدنی - به طور خلاصه، باید جنگید! اول باید به مردم و ملت‌ها و دولت‌ها یادآوری کنیم که دسترسی به محیط زیست یک حق اولیه بشری است. باید تلاش کنیم که مکانیزم‌های لازم برای اینکه از نظر حقوقی این قضیه به رسمیت شناخته شود، از طریق فشار به دولت‌ها و حکومت‌هایی که این حق را به رسمیت نمی‌شناسند و تضییع می‌کنند. باید تلاش کنیم که شفافیت را در سیستم‌های مختلف بالا ببریم و بدانیم که داده و ستانده‌های مان در حوزه محیط زیست چقدر است؟ به خاطر برداشت از منابع طبیعی و توسعه اقتصادی چه بلایی دارد بر سر مردم می‌آید؟ چه کسانی آسیب‌پذیر هستند؟ چه نقاطی از نظر جغرافیایی آسیب‌پذیر هستند.

در حال حاضر این عدالت به رسمیت شناخته نمی‌شود و در خیلی از موارد بسیاری از ما که در مناطق توسعه‌یافته دنیا زندگی می‌کنیم، نمی‌دانیم که مثلاً لباسی که بر تن می‌کنیم، چه خسارت‌های محیط زیستی‌ای را در کجا و به چه کسی وارد کرده. غذایی که می‌خوریم از کجا می‌آید و بابت آن چند کشاورز آسیب‌پذیر شده‌اند و چه فشاری را متحمل شده‌اند. در حال حاضر متأسفانه این مساله را به رسمیت نمی‌شناسیم. [عدالت محیط زیستی] دارد بیشتر و بیشتر مطرح می‌شود، اما تا زمانی که مصرف‌گرایی هست، نقض عدالت محیط زیستی هم هست و دنیای محیط زیستی مان مثل دنیا‌های دیگرمان ناعادلانه است. و حالا این سوال وجود دارد که آیا سیستم‌هایی که عدالت در آنها وجود ندارد می‌توانند بخش محیط زیستی‌شان را به شکل خاص عادلانه کنند؟ به نظر من پاسخ به این سوال هم «نه» است. شما نمی‌توانید از سیستمی که بسیاری از حقوق متفاوت را نقض می‌کند هم در حوزه محیط زیست متفاوت عمل کند و حقوق مردم را رعایت کند. متأسفانه باز هم این را خواهیم دید که سیستم‌های فقیرتر، سیستم‌های دچار فساد بیشتر، حکومت‌های ضعیف‌تر بیشتر و بیشتر عدالت محیط زیستی را نقض می‌کنند و آسیب بیشتری به مردم می‌زنند.

حقوق ما - آیا داشتن اخلاق محیط زیستی می‌تواند جامعه‌ای را به سمت عدالت محیط زیستی ببرد؟

باز سوال پیش می‌آید که وقتی اقتصادهای ضعیف می‌شوند و فساد در جامعه وجود دارد و مردم برای رفع نیازهای اولیه‌شان دچار مشکل هستند آیا مردم می‌توانند به عدالت محیط زیستی فکر کنند یا خیر؟ متأسفانه باز این موضوع مطرح می‌شود که در جوامعی که مردم برای تامین نیازهای اولیه‌شان دچار مشکل هستند، مساله محیط زیست محلی از اعراب ندارد و اصلاً به آن پرداخته هم نمی‌شود. من چند بعد از شروع همه‌گیری کرونا با یکی از وزرای افغانستان گفتگو می‌کردم و ایشان به من گفت که «در حال حاضر، حقوق بشر برای ما یعنی نان، حقوق بشر یعنی غذا، حقوق بشر یعنی لباس. وقتی شما برای تامین حقوق اولیه‌ات دچار مشکل هستی، به اینکه بلبل آواز می‌خواند و یا نمی‌خواند و یا فلان گونه جانوری دارد از بین می‌رود فکر نمی‌کنی. مردم هم نمی‌توانند فکر کنند، چه برسد به دولت‌ها، دولت‌هایی که خودشان در این قضیه در گل مانده‌اند، نمی‌توانند حتی اگر بخواهند، به بحث محیط زیست‌شان بپردازند.» در خیلی از موارد این دولت‌ها حتی آن میزان از بلوغ را ندارند که محیط زیست را به عنوان تضمین‌کننده بقای خودشان در درازمدت به رسمیت بشناسند و بدانند که چقدر حفظ محیط زیست برای بقای خودشان و کشور و میهن‌شان ضروری است.

حقوق ما - یکی از مقام‌های حکومتی در گفتگو با ما مدعی شد که جمهوری اسلامی براساس اصل ۵۰ قانون اساسی به دنبال برقراری عدالت محیط زیستی است. شما به عنوان کسی که از نزدیک روند کاری دولت را تجربه کرده‌اید، این ادعا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کاوه مدنی - این ادعا را در راستای ادعاهای دیگر، که در راستای آرمان‌های دیگر می‌بینم. آرمان‌های دیگری که جمهوری اسلامی داشته، آرمان‌هایی که در مصوبات ما نوشته شده، برنامه‌های توسعه یکی پس از دیگری، قانون اساسی... مثل خیلی از نکات دیگری که در قانون اساسی گنجانده شده، نکات دیگری که در برنامه‌های توسعه گنجانده شده، دستوریهایی که توسط روسای جمهوری مختلف داده شد، توسط بالاترین مقام جمهوری اسلامی داده شد... خیلی از اینها آرمان هستند. در دوران کاری هم این را گفتم که ما روی کاغذ کمبود [قوانین] نداریم. در واقع برنامه‌ها و آرمان‌ها



کاوه مدنی - مسلماً. در هر جامعه‌ای که شما بتوانید اخلاق مردم را بهتر کنید، حد را می‌شناسند و ضرورت وجود عدل و برابری را می‌شناسند و در حوزه محیط زیست هم می‌توانید عدالت محیط زیستی را پیاده کنید. و باز هم تاکید می‌کنم عدالت محیط زیستی هم باید در راستای دیگر موضوعات مطرح شود و با بقیه موارد رابطه‌ای زنجیره‌ای دارد و اگر اخلاق در جامعه پیشرفت کند، رسیدن به عدالت محیط زیستی هم محقق خواهد شد.

فکر می‌کنم بخشی از این فرایند را به‌خوبی در کشورمان دیده‌ایم، یعنی در سال‌های اخیر اعتراضات مردمی و افزایش آگاهی مردمی و میزان پرداختن رسانه‌ها به محیط زیست باعث شده که جایگاه محیط زیست فرق کند، حتی اگر بگوییم این جایگاه فقط در کلام و یا حرف مفت فرق کرده، ولی می‌بینیم که مدیران و نمایندگان مجلس و کاندیداهای ریاست جمهوری موضوع محیط زیست را می‌شناسند و می‌دانند حداقل باید درباره‌اش حرف بزنند حتی اگر به‌حرف‌شان اعتقادی نداشته باشند و وقتی پشت میزشان می‌نشینند عدالت محیط زیستی را رعایت نکنند، می‌دانند این یک خواسته اجتماعی است.

وقتی عدالت محیط زیستی به عنوان یک خواسته اجتماعی مطرح شود و مردم آگاه شوند می‌توان امیدوار بود که تغییر رفتاری صورت بگیرد... در هر جای جهان. کمپین‌های مختلفی که درست شده برای برابری ... برای برابری سیاه و سفید... برای برابری زن و مرد... از آگاهی شروع شده، از اینکه بگوییم این برابری باید وجود داشته باشد، از اینکه بگوییم این حق وجود دارد و باید به رسمیت شناخته شود. ما اول باید این حق را به رسمیت بشناسیم، بعد بخواهیم و برایش تلاش کنیم. در ضمن، جامعه‌ای که این حقوق را به رسمیت نمی‌شناسد، جامعه‌ای که نمی‌داند این حق، حق همه مردم است و خودش هم برای رسیده به این حق تلاش نکند و خودش هم رفتارهای محیط زیستی نباشد - در این راستا ما باید رفتارهای محیط زیستی را در جامعه ترغیب و تشویق کنیم تا جامعه نسبت به عدالت محیط زیستی حساس‌تر شود و این خواسته‌اش را بلندتر فریاد بزند، و تلاش کنیم که به جای بردن این مساله به فضایی پرتشنج و خشمگین، هدایتش کنیم در راستایی که بتواند با استفاده از مکانیزم‌های موجود یا با ایجاد مکانیزم‌های جدید [در فضایی غیر خشن اثر بگذارد]. شرایط خشن آینده‌ای محیط زیستی نخواهد داشت، اگر فرضاً باور کنیم که خشک‌سالی نقشی در فرایند ایجاد آشوب در سوریه داشته، امروز می‌بینیم که وضعیت محیط زیست سوریه قطعاً از آن شرایط قبل از آشوب داخلی‌اش بهتر نشده است. یعنی حتی اگر محیط زیست جرقه آن قضیه را زده، امروزه می‌بینیم که محیط زیست سوریه و یا عراق وضعیت بهتری از آن روزها ندارد.



طرح: اسد بیناخواهی

در برخی نقاط جهان وقتی دسترسی‌شان به آب قطع شده ممکن است مسلسل به‌دست بگیرند و کشت و کشتار هم راه بیاندازند. در لحظه‌هایی که امید در جامعه از بین می‌رود و معیشت تحت تاثیر قرار می‌گیرد، ما واکنش‌ها و رفتارهای خشن را دیده‌ایم. پاسخ به این سوال این است که بدون آن مکانیزم‌ها نمی‌توانیم آرمان و خواسته و امیدی داشته باشیم که مردم به این سمت حرکت کنند و تاثیرگذار باشند. مردم ناراحت و ناراضی می‌شوند و ابراز خشم می‌کنند، اما اگر از ابزارهای افزایش آگاهی استفاده کنیم، اگر شروع کنیم به مستندسازی و یادآوری و آموزش اینکه نفس کشیدن حق مسلم شما است، داشتن آب پاکیزه حق مسلم شما است، داشتن جنگل سالم حق مسلم شما است، آن موقع می‌توانیم انتظار داشته باشیم که جوامع این نکته را درک کنند و مدیران و مسوولان حتی در سیستم‌های غیر دموکراتیک بازخواست کنند و از آنها بخواهند که این حقوق به رسمیت شناخته شود و مدیران پوپولیست تغییر رفتار بدهند...

خیلی خوب نوشته شده‌اند اما مهم، اجرا کردن است. من فکر نمی‌کنم که ایران دارد کنش‌گرایانه تلاش می‌کند که از محیط زیست حفاظت و حقوق محیط زیستی مردم را تامین کند بلکه ما بارها و بارها این اصل را نقض کرده‌ایم در شرایطی که فشار اقتصادی به ما وارد شده و در شرایطی که ترس از بیکاری داشته‌ایم و خواستیم مردم را راضی کنیم، بنابراین این اتفاق [نقض عدالت محیط زیستی] خواهد افتاد. این البته به آن معنی نیست که مدیرانی در کشور برای رسیدن به عدالت محیط زیستی تلاش نکرده‌اند. بی این معنی نیست که مردم یا کنش‌گران و فعالین نخواستند یا برایش تلاش نکرده‌اند، منظور این نیست که هیچ رئیسی در سازمان محیط زیست کاملاً ناموفق بوده و هیچ مدیری در آنجا حرکت مثبتی نکرده، اما اگر بخواهیم مجموعه سیستم را درک کنیم و برآیند عملکردشان را ببینیم، می‌بینیم که این اصل [عدالت محیط زیستی] جایگاه ویژه‌ای در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی ندارد.

حقوق ما - اگر مقام‌ها و تصمیم‌گیرندگان کشور در عمل اعتقادی به توسعه پایدار نباشند، چگونه می‌توان به عدالت محیط زیستی نزدیک شد؟

کاوه مدنی - فکر می‌کنم که اینها در واقع به هم نزدیک هستند، یعنی توسعه پایدار و عدالت با هم می‌آیند. شما نمی‌توانید یکی را داشته باشید و دیگری را نداشته باشید. وقتی توسعه پایدار دارید، اقتصادتان سالم است، اجتماع‌تان سالم است، محیط زیست‌تان سالم است و اینها در واقع با هم ظهور پیدا می‌کنند. این نکته مهمی است که بارها در باره‌اش بحث شده که مثلاً آیا می‌توان بخش آب یا بخش محیط زیست کشوری که در آن دموکراسی وجود ندارد را به شکل دموکراتیک مدیریت کرد؟ به نظر من، نه!

آیا می‌توان بخش آب و محیط زیست را در سیستمی که شفافیت فاقد شفافیت در همه عرصه‌ها است شفاف کرد؟ به نظر من، نه!

آیا می‌توان بخش محیط زیست را به شکلی جدا در سیستمی که عدالت و حقوق بشر نقض می‌شود می‌توان سیستم مدیریت محیط زیست را مستثنی کرد و عملکردی دیگرگون داشت؟ خیر!

بنابراین تلاش در همه بخش‌ها لازم است، و در بخش محیط

زیست به این دلیل که یادآوری این نکات آسان‌تر است می‌توان امیدوار بود که تغییراتی را رقم زد، اما این تغییرات نمی‌توانند رادیکال باشند. ما نمی‌توانیم در سیستم‌هایی که توسعه پایدار آرمان نیست، عدالت محیط زیستی را به‌طور مجزا تبدیل به آرمان کنیم و آن را محقق کنیم.

حقوق ما - نقش مردم این وسط چیست؟ آن هم در نبود آموزش و آگاهی بخشی؟ چگونه می‌توان مشارکت عمومی برای رفتن به سوی عدالت محیط زیستی را افزایش داد؟

کاوه مدنی - در نبود آموزش و مکانیزم‌های افزایش آگاهی نمی‌توان چندان انتظار داشت که مردم به‌سوی عدالت محیط زیستی حرکت کنند. مردم ممکن است از اینکه حقوق اولیه‌شان نقض می‌شود عصبانی شوند و مسیر می‌تواند همراه با خشونت باشد، و محیط زیستی و صلح‌آمیز هم نباشد... ممکن است در جایی در ایران و یا نقطه‌ای از جهان نتوانی نفس بکشی و کار به خشونت هم بکشد. دیده‌ایم که کشاورزان

عدالت محیط زیستی قربانی کشاورزی نامتوازن و ناپایدار



منصور سهرابی، دکترای تخصصی اکرواکولوژی،
پژوهش گر اکولوژی و محیط زیست

در مباحث مرتبط با عدالت محیط زیستی، کمتر به رابطه کشاورزی متوازن و پایدار با این مقوله پرداخته ایم. کشاورزی ناپایدار در طی هفته دهه اخیر، نتیجه ای جز از بین رفتن منابع آب و خاک مناطقی در کشور و سرگردانی میلیون ها هم وطن نداشته است. در این مقاله نگاهی داریم به نقش کشاورزی نامتوازن در نقض عدالت محیط زیست و آثارش روی حقوق انسان ها.

کشاورزی نقش بسیار مهمی در تامین نیازهای اولیه انسان، یعنی محصولات غذایی دارد. کشاورزی و رونق آن در یک منطقه از دیرباز به مثابه رشد فرهنگ و تمدن در آن منطقه بوده است، طوری که امروزه باستان شناسان اگر بخواهند سیر ایجاد و تکامل تمدنی را در یک منطقه بررسی کنند به کاوش ابزارآلات و چرایی و چگونگی کشاورزی در آن منطقه می پردازند. کشاورزی در ایران تاریخی ده هزار ساله دارد و کشور ما یکی از مراکز اهلی کردن گیاهان زراعی بوده است. کشاورزی برای قرن های متمادی محور اصلی کارآفرینی و اشتغال انسان بوده است. با رشد شهرنشینی و شروع فرآیند صنعتی شدن در جهان و خصوصاً کشورهای توسعه

یافته، باز هم کشاورزی در کنار صنعت و خدمات، یکی از بازوهای مهم اشتغال زایی بوده است. با این حال، تلاش برای دستیابی به سود سریع تر و برنامه های نامناسب، کشاورزی را در بسیاری از مناطق کشور تبدیل به بلای جان محیط زیست کرده است. فعالیت هایی مانند شخم زدن زمین مخصوصاً در اراضی شیب دار، استفاده از سموم و آفت کش های شیمیایی، سیستم های آب رسانی و آبیاری ناکارآمد، سوزاندن بقایای کشاورزی، فقدان استفاده از طرح های الگوی کشت بهینه، آلودگی هوای ناشی از فعالیت های کشاورزی، آلودگی خاک ها و آب های سطحی و زیرزمینی و تغییر خصوصیات خاک از جمله اثرات مخرب کشاورزی بر محیط زیست هستند که منجر به پایداری شدن حقوق محیط زیست و عدالت محیط زیستی شده است. کشاورزی ناپایدار، بلایی پایدار برای محیط زیست بوده



است. رابطه مستقیمی بین حقوق بشر و محیط زیست وجود دارد و اهمیت این موضوع بارها مورد تایید و تاکید سازمان ملل قرار گرفته است. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل با صدور قطعنامه «حقوق بشر و محیط زیست به مثابه بخشی از توسعه پایدار» در سال ۱۳۸۴ از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر و برنامه محیط زیست ملل متحد و برنامه عمران ملل متحد می خواهد که به هماهنگی فعالیت های مربوط به حقوق بشر و محیط زیست در زمینه رفع فقر و ارزیابی محیط زیست ادامه دهند. گزارش کمیسیون فرعی حفاظت از اقلیت ها نیز به رابطه بین حق داشتن محیط زیست شایسته، و حق توسعه پرداخت و اینکه حقوق بشر جدایی ناپذیر و وابسته متقابل هستند.

مفهوم عدالت محیط زیستی و عدالت اکولوژیک را می توان از جمله مبانی جرم انگاری جرایم علیه محیط زیست تلقی کرد و از دو منظر حقوق بشری و حقوق کیفری قابل تحلیل و بررسی است. اگر حق برخورداری از عناصر محیط زیست سالم برای تمام موجودات کره زمین و بلکه نسل های آینده به رسمیت شناخته شده و دموکراسی محیط زیستی را به عنوان مبنایی برای تبیین پیشگیری مشارکت محور از جرائم علیه محیط زیست قلمداد کنیم، می بایستی بر همین اساس چارچوبی برای احقاق عدالت محیط زیستی طراحی کرد.

دموکراسی محیط زیستی شامل پاسخ گویی شفاف دولت و مشارکت مردم در مورد فعالیت هایی است که بر کیفیت زندگی و محیط اطراف آنها تاثیر می گذارد. دموکراسی محیط زیستی اشاره به نظریاتی دارد که بر مبنای آن، امور و مسائل محیط زیستی باید به وسیله تمامی کسانی که تحت تأثیر نتایج یک تصمیم گیری محیط زیستی هستند، مورد توجه و اظهار نظر قرار بگیرد، نه صرفاً از سوی حکومت ها و صاحبان صنایع و سرمایه. در واقع، دموکراسی محیط زیست بر این واقعیت استوار است که مشارکت عمومی برای حصول اطمینان از تصمیمات مربوط به مدیریت منابع طبیعی و پاسخ مناسب و منصفانه به منافع شهروندان، رعایت شود که در رابطه با فعالیت های کشاورزی این مهم در ایران

نادیده گرفته شده است. برای نمونه می‌توان به تغییر کاربری مراتع و تبدیل آن به زمین های کم‌بازده کشاورزی اشاره کرد که به وضوح به حق محیط زیست تعدی می‌شود و به دلیل عدم دموکراسی در ایران راه مقابله با آن بسته است. حفاظت، حمایت و مقابله با آسیب‌های محیط زیستی مستلزم به رسمیت شناختن حق شهروندان در به اجرا درآوردن حقوق ماهوی محیط زیستی است. از مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت مردم در پاسخ‌های واکنشی به جرایم محیط زیستی، بی‌اعتمادی مردم به دستگاه عدالت کیفری در کشف، تعقیب و محاکمه عادلانه پس از اعلام جرم از سوی شهروندان است. تصویب قوانین حمایتی به نفع مشارکت‌کنندگان، عدم برخورد‌های تبعیض‌آمیز در نوع و میزان مجازات‌ها و ایجاد تحول در نظام عدالت کیفری به عنوان الزامات حق دسترسی به عدالت، به تحقق هرچه مؤثرتر و معنادارتر مشارکت کمک خواهد کرد.

کشاورزی اکولوژیک یا بوم‌شناختی

کشاورزی بوم‌شناختی نوعی از کشاورزی است که عدالت محیط زیستی در آن مد نظر قرار گرفته و مورد توجه واقع شده است. کشاورزی بوم‌شناختی نیازمند تفکر بیشتر در فلسفه کشاورزی پایدار به مانند یک بینش است. بر این اساس، پایداری فلسفه‌ای است مبتنی بر هدف‌های انسانی و شناخت اثرهای درازمدت فعالیت‌های انسان بر محیط زیست و سایر موجودات زنده. در واقع فلسفه وجودی کشاورزی بوم‌شناختی مقابله با کشاورزی رایج است که کشاورزی رایج مدرن بر بنیان تقلیل‌گرایی استوار است. ویژگی اصلی این نگرش بی‌توجهی به ماهیت زیستی طبیعت است. اما در مقابل این نگرش، اندیشه جامع‌نگری وجود دارد که مفهوم پایداری و کشاورزی بوم‌شناختی بر آن استوار است. در این نگاه، به مجموعه اجزای طبیعت به صورت کلیتی یک‌پارچه و زنده و پویا نگریسته و برهم کنش‌های آن در نظر گرفته می‌شود. کشاورزی بوم‌شناختی، می‌بایست دانش بنیان، بوم‌سازگار، اقتصاد-محور و بر پایه ظرفیت محیطی-سرزمینی باشد.

برای ادای حق محیط زیست و رسیدن به عدالت محیط

زیستی در بخش کشاورزی اجرای روش‌های ذیل در کشاورزی ضروری است:

* اجرای طرح‌های الگوهای کشت بهینه بر پایه تناوب درست زراعی براساس توان اکولوژیک هر منطقه.
* استفاده کمتر از کودهای شیمیایی و بکار بردن کودهای زیستی که نقش بسیار مهمی در بهبود حاصل‌خیزی خاک از طریق تثبیت نیتروژن اتمسفر به وسیله‌ی هم‌زیستی با ریشه گیاه یا به صورت آزاد-زی در خاک و همچنین از طریق محلول نمودن فسفات‌های تثبیت شده و تولید عناصر مورد نیاز برای رشد در خاک، ایفا می‌کنند. کودهای بیولوژیکی به وسیله یک سیستم بیولوژیکی و به‌طور طبیعی با متحرک کردن عناصر غذایی در خاک، دسترسی گیاهان به این عناصر را ارتقا می‌دهند. استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی، منجر به آلودگی خاک و حوضه‌های آبریز، نابودی میکروارگانیسم‌ها و حشرات مفید، حساسیت بیشتر گیاهان به بیماری‌ها و کاهش حاصل‌خیزی خاک شده است.

* خاک‌ورزی حفاظتی: خاک‌ورزی حفاظتی روشی است که مقدار کافی بقایای گیاهی را پس از برداشت محصول در سطح زمین حفظ می‌کنند تا حفاظت خاک در برابر فرسایش افزایش یابد. خاک‌ورزی‌های مرسوم یکی از دلایل اول شدن رتبه فرسایش خاک ایران در جهان است بطوریکه هر ساله بیش از ۲ میلیارد تن خاک در ایران فرسایش می‌یابد.

* اجرای طرح‌های تعادل دام و مرتع، تعداد دام‌ها در ایران سه برابر ظرفیت مراتع گزارش شده است که ضمن آسیب به خاک، تنوع زیستی گیاهی با خطر مواجه شده است.

* مدیریت تلفیقی آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز
* مدیریت علمی و دقیق منابع آب در سیستم‌های کشاورزی و بالا بردن کارایی مصرف و بهره‌وری آب در این بخش. هدرروی آب در این بخش بیش از ۶۰ درصد است، سدسازی‌های غیرعلمی به بهانه آب‌رسانی به

بخش کشاورزی آسیب‌های جدی به محیط زیست وارد کرده که انتقال آب بین حوضه‌ای هم این آسیب را تشدید کرده است.

* کاهش رد پای اکولوژی در بخش کشاورزی

وضع محیط زیست ایران به شدت بحرانی است. تمامی شاخص‌های محیط زیستی کشور نشان از سیر قهقراپی سرزمین ایران دارد. و برای کاهش خسارت کشاورزی به محیط زیست پیشنهاد می‌شود که سیستم مرسوم کشاورزی به بوم‌شناختی که رهیافتی برد-برداشت تغییر یابد تا ضمن رعایت حقوق محیط زیست، امنیت غذایی پایدار در آینده نیز تأمین شود.

مراجع:

منصور سهرابی، دموکراسی زیست محیطی،

<https://iran-tc.com/2020/09/21/%D8%AF%D9%85%D9%88%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7%DB%8C/>

فرهاد جم و ژانت بلیک، نظام حکمرانی زیست محیطی جهانی: چالش‌ها و راهکارها. فصلنامه علوم محیطی، ۱۵(۱): ۱۵۶-۱۴۱

مهدی عباسی سمردی و رضا اسدی خمایی. ۱۳۹۴ مفهوم عدالت زیست محیطی و انعکاس آن در اسناد منطقه ای و بین‌المللی. فصلنامه راهبرد / سال بیست و چهارم / شماره ۷۷ / صص ۵۷-۳۳

اسفندیار جهانگرد. ۱۳۹۵. محیط زیست و برنامه های توسعه در ایران. فصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی سال اول، شماره ۲. صفحات ۱۰۵ تا ۱۴۲
مسعود صفایی پور، سیامک طهماسبی، معصومه قرقانی. ۱۳۹۵. روستای اکولوژیک. فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۳۵

بی نام. ۱۳۹۸. دموکراسی زیست محیطی، راهکار پیشگیری مشارکتی از جرائم علیه محیط زیست. فصلنامه رهیافت پیشگیری / سال دوم، شماره سوم.

محسن آذرnia، سعید صفی خانی، عباس بیابانی. ۱۳۹۴.

بررسی اثر کودهای زیستی بر عملکرد گیاهان زراعی، کشاورزی پایدار و کشاورزی ارگانیک. مجله ایمنی زیستی. دوره ۸، شماره ۲

حسین آخانی و الکساندر رودف. ۱۳۹۷. حفظ تنوع زیستی یا زیست فناوری: اولویت امروز ایران چیست؟. مجله پژوهشهای راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی جلد ۳ شماره ۲ صفحه های ۱۸۱ تا ۱۹۴

علیرضا کوچکی و نصرالله سفیدبخت. ۱۳۹۸. بوم نظام‌های زراعی و دامی در ایران: ستیزه یا همزیستی؟. مجله پژوهشهای راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی جلد ۴ شماره ۱ صفحه های ۲۵ تا ۴۰

عبدالمجید مهدوی دامغانی. ۱۳۹۹. کشاورزی بوم‌شناختی و امنیت غذایی. مجله پژوهشهای راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی جلد ۵ شماره ۱ صفحه های ۹۷ تا ۱۱۰

حمید کریمی جشنی، ایوب کریمی جشنی. ۱۳۸۷. نقش فعالیت های کشاورزی در تخریب محیط زیست. همایش منطقه ای کشاورزی، محور رشد و توسعه. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت

جواد امین منصور. ۱۳۹۹. رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست در پرتو تحول در روابط بین‌الملل.

<https://www.ipis.ir/portal/subjectview/598255/%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B7%D9%87-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%A8%D8%B4%D8%B1-%D9%88-%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7-%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D9%BE%D8%B1%D8%AA%D9%88-%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84-%D8%AF%D8%B1-%D8%B1%D9%88%D8%A7%D8%A8%D8%B7-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84>

تصمیم‌گیری از بالا، عامل بی‌عدالتی

محیط زیستی

گفتگو با دکتر علی میرچی

تصمیم‌گیری از بالا معمولاً یکی از مجموعه عواملی است که به بی‌عدالتی محیط زیستی منجر می‌شود. در کشورهایی که حاکمانی غیردموکراتیک دارند، مردمانی که در مناطق محروم‌تر ساکن هستند، حق گرفتن تصمیم نسبت به انجام پروژه‌های بزرگ و اقتصادی ندارند. چگونه ممکن است مردمانی در دره‌ای قرن‌ها زندگی کرده باشند و به حاکمیت اجازه دهند خانه و کاشانه‌شان را به اسم تامین آب و تولید برق زیر آب ببرد. چگونه ممکن است مردمانی از آثار منفی پروژه‌های بزرگ عمرانی در تضاد با توسعه پایدار آگاه باشند و به ساختار اجازه هر فعالیتی در جهت نابودی منابع و محیط زیست بدهند؟

دکتر علی میرچی استادیار دانشگاه ایالتی اکلاهما از جمله کارشناسان مدیریت منابع آب است که مساله مشارکت در تصمیم‌گیری و عدالت محیط زیستی را جدی می‌گیرد. وقتی سال‌ها قبل در دانشگاه تگزاس در شهرال پاسو تدریس می‌کرد، مرا به دیدار گروهی از کارشناسان برد که هم آگاهی عمومی را بالا برده بودند و هم نقش مردم منطقه در مدیریت آب را افزایش دادند.

حقوق ما - در ساختار فعلی کشور ما، تصمیم‌گیری از بالا است، نه از پایین. بخش بزرگی از مردم نقشی در تصمیم‌گیری

ندارند، و میزان آگاهی طبقات مختلف جامعه از پروژه‌های بزرگ در حداقل میزان است و از آسیب‌های آنها بی‌اطلاع هستند. آنچه که در رسانه‌های دولتی و نزدیک به دولت هم منتشر می‌شود، عملاً تبلیغ این برنامه‌ها است، مثلاً در دفاع از طرح انتقال آب بین حوضه‌ای به مردم می‌گویند که مشکلات کمبود آب را حل می‌کند، اما نمی‌گویند که در درازمدت چه اتفاقی خواهد افتاد. در ساختارهای دموکراتیک‌تر، مردم آگاهی بیشتری دارند و حتی می‌توانند پروژه‌ها را زیر سوال ببرند و بپرسند که چنین پروژه‌هایی چه تأثیرات محیط زیستی و یا اقتصادی و اجتماعی‌ای بر جای خواهد گذاشت تا بعد بتوانند نسبت به اجرا و یا عدم اجرای این طرح‌ها تصمیم بگیرند و یا اگر در حالا اجرا باشند، از طرق قانونی مقابل‌شان بایستند. اما بحثی که معمولاً به آن پرداخته نمی‌شود، پاسخگو کردن تصمیم‌گیرندگان است، ولی وقتی در آینده تأثیرات منفی پروژه‌ها عیان شد، خبری از مسوولان نیست. آن زمان چه کسی پاسخگو خواهد بود؟

علی میرچی - طبیعتاً جامعه انتظار دارد که مسوولان پاسخگو باشند. هرکدام از چرخ‌دنده‌های جامعه متولی خودش را دارد، بسته به سیستم اقتصادی‌ای که حاکم است یا سیستم مدیریت منابع طبیعی حاکم... مثلاً در آمریکا EPA و یا در ایران سازمان حفاظت محیط زیست

... در آمریکا، یکی از رسالت‌های نهاد محیط زیست این است که مردم آمریکا دسترسی به آب سالم داشته باشند و بتوانند در رودخانه‌ها شنا کنند و ماهی صید کنند و این‌ها شاخص‌های تعیین‌کننده کیفیت محیط زیستی منابع آبی است. در ایران هم استانداردهایی وجود دارد اما در مجموع آنچه با آن روبه‌رو هستیم این است که نتیجه هرکدام از این رویکردها چیست؟ رویکرد مدیریتی از بالا به پایین که مدیران از بالا راجع به پروژه‌ای تصمیم می‌گیرند و مهندسان و کارشناسان اجرای‌شان می‌کنند و مردم هم قاعداً باید اعتماد کنند، یا اینکه نه، از یک مدیریت موثر استفاده می‌کنیم و در کنار تصمیم‌های استراتژیک در مورد



پروژه‌های بزرگ، دوره‌های زمانی‌ای را داریم که کارشناسان مستقل بتوانند نظر بدهند، مردم و سازمان‌های غیردولتی بتوانند دغدغه‌ها و نگرانی‌های خودشان را مطرح کنند و آن نظرات جمع‌بندی بشود و به عنوان یکی از منابع عمده اطلاعاتی بتوان در تصمیم‌سازی‌ها از آن استفاده شود. روش مدیریت متکثره‌دلی است که اکثر کشورهای دنیا به سمت آن در حرکت هستند و البته موانع مختلفی هم در این راه وجود دارد، اما توجه به این امر در دهه‌های اخیر شدت گرفته است. اگر به سوابق پروژه‌های آبی دقت کنیم می‌بینیم که از بعد از جنگ جهانی دوم، اکثر پروژه‌ها با رویکرد صرف سازه‌ای و یا مهندسی آب پیشنهاد و اجرا می‌شدند و بعد از بیشتر آن مباحث اقتصادی وارد شد، در دهه هفتاد مباحث محیط زیستی بیشتر وارد شد، در دهه‌های هشتاد و نود، مشارکت اجتماعی و حمایت شهروندان بسیار مهم شد و بعد از آن با طرح مباحث مدیریت براساس توسعه پایدار، بحث‌های مربوط به عدالت محیط زیستی و عدالت بین‌نسلی مطرح شد. در مجموع، الان اجرای پروژه‌های سازه‌ای [در آمریکا] بسیار سخت‌تر است، نه به این دلیل که شهروندان به شکلی ساده‌لوحانه انتظار داشته باشند که راه‌حل‌های از راه برسد، بلکه به این خاطر که تبعات غیرمترقبه محیط زیستی، تبعات غیرمنتظره اقتصادی و اجتماعی پروژه‌های پیشین را دیده‌اند، ما نسبت به این آثار آگاه‌تر شده‌ایم و انتظار می‌رود که تصمیم‌گیرندگان و مجریان پروژه‌های جدید بهتر بتوانند این تبعات را درک کنند و در تحلیل هزینه و فایده به این موارد به شکلی جدی و تا حد ممکن، کامل، رسیدگی کنند و این کار ساده‌ای نیست. ممکن است برخی بگویند که مناطقی نیاز آبی دارند و آب‌پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای راه‌حل تامین آب این مناطق هستند. اگر آب‌پروژه با رویکرد متکثر و با شنیدن دغدغه افراد از بخش‌های مختلف جامعه و برپایه مطالعات جامع مهندسی و محیط زیستی و اجتماعی تصمیم‌سازی‌هایی صورت گیرد که اگر چنین نباشد می‌تواند هزینه‌های غیرمترقبه‌ای به جامعه و نسل‌های آینده تحمیل کند.

حقوق ما - ما عدالت محیط زیستی اشاره کردید. از زمانی که EPA عدالت محیط زیستی را جدی گرفت و به آن پرداخت، تعریف‌های مختلفی درباره عدالت محیط زیستی شنیده‌ایم از جمله اینکه مسائل محیط زیستی به شکل عادلانه در مورد بخش‌های مختلف جامعه رعایت شود، یا نسبت به خود محیط زیست متعادل رفتار کنیم و یا اینکه آثار کارها و پروژه‌های امروز ما آسیبی به محیط زیست آیندگان ما وارد نکنند. وقتی درباره طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای و یا طرح‌های شیرین کردن آب دریا، آسیب‌های محیط زیستی مختلفی ایجاد می‌کنند. با این حال، آب شیرین به خیلی از نقاطی که نیازمند هستند و براساس قاعده حقوق بشری در مورد آب [آب یک حق بشری است و دولت‌ها باید آب را به شکلی عادلانه و بدون تبعیض به اندازه لازم در اختیار شهروندان برای شرب و بهداشت بگذارند] نخواهد رسید و صرف پروژه‌های صنعتی خواهد شد. ضمن اینکه باید حواس‌مان به محیط زیست به واسطه نوع تامین آب باشیم، مساله عدالت محیط زیستی این شهروندان را چگونه باید تامین و از حقوق‌شان دفاع کرد؟ علی میرچی - به نکته خیلی خوبی اشاره کردید. در ارتباط با مباحث عدالت محیط زیستی که نسبتاً در سلسله بحث‌های توسعه پایدار جدیدتر هم هستند، موارد متعددی وجود دارد که باید به آن بپردازیم. این بحث‌ها در بطن مدیریت پایدار وجود دارند. توسعه پایدار ارکانی دارد از جمله پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی و پایداری زیست محیطی. وقتی هموطنانی داریم که به منابع آب پاک دسترسی ندارند، پایداری اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی نخواهند داشت و این یکی از مثال‌های بارز بی‌عدالتی و ناعدالتی اجتماعی است و به‌مرورز پرنرنگ‌تر هم خواهد شد.

چیزی که ما در پی پروژه‌های انتقال آب [بین حوضه‌ای] یاد گرفته‌ایم این است که آب به یک سری از مناطق کم‌آب مرکزی ایران می‌رسد و این مناطق در حال حاضر به شکل نامتناسبی بهره‌مندتر هستند. در این شهرها توسعه صنعتی اتفاق افتاده و بعضاً دسترسی به مشاغل، صنعت، و گردشگری دارند. وقتی ما این آب را به اندازه‌ای فراتر از نیاز به این مناطق می‌رسانیم، تصویری که از وفور آب در آن

منطقه ایجاد می‌شود، نا عدالتی و عدم دسترسی [بقیه به آن آب] برابر به فرصت‌ها باعث می‌شود که مهاجرت‌هایی به آن منطقه [که دسترسی به منابع آب جدید دارد] اتفاق بیافتند و نیاز آبی همان منطقه به‌مرور افزایش پیدا می‌کند و این راه حل خودش موجب عوارض جانبی‌ای می‌شود. همین کار باعث می‌شود که به پروژه‌های انتقال آب اعتیاد جدیدی پیدا کنیم و در نتیجه این کار شکاف‌های عدالت در داشتن فرصت‌ها بیشتر می‌شود. می‌توانیم انتظار داشته باشیم که این شکاف‌ها بین نسل‌ها هم زیاد خواهد شد و به آینده منتقل می‌شود و وضعیت را بدتر خواهد کرد. این عوارض جانبی و اعتیاد ما به عرضه آب باعث می‌شود که از طریق این پروژه‌ها به‌طور موقت بر روی کمبودها سرپوش



بگذاریم و نیازهای آبی جدیدی را در منطقه کویری ایجاد کنیم و این باعث خواهد شد که این کم‌آبی به‌شکل بسیار شدت یافته‌ای دوباره به ما برگردد و باعث شود ما به صورت دست‌پاچه به فکر راه‌حل جدید باشیم در حالی که اثرات مضری را روی طبیعت و مراکز جمعیتی ضعیف‌تر وارد کرده‌ایم و خودمان را زنجیر کرده‌ایم به راه‌حل‌هایی که می‌تواند ما را تضعیف کند، در حالی که راه‌کارهای دیگری وجود دارد.

در مجموعه روش توسعه‌ای که غرب در پیش گرفته [توسعه پایدار] به راه‌کارهایی رسیده و روی آنها سرمایه‌گذاری کرده و الزاماً اصرار کورکورانه‌ای برای اجرای روش‌های قبلی ندارد و سعی می‌کند از دانشی که در طی این سال‌ها به‌دست آمده

استفاده کند و به‌روش‌های پایدارتری مشکلات مربوط به کم‌آبی را مدیریت کند.

حقوق ما - عدالت محیط زیستی در چارچوبی پاسخگو قابل دسترسی است، اما در چارچوب‌های غیردموکراتیک و غیر پاسخگو، آیا دسترسی به عدالت محیط زیستی امکان‌پذیر است یا نه؟

علی میرچی - طبیعتاً خیلی سخت‌تر است. این مباحث نیازمند آگاهی جامعه و شکل‌گیری نهادهای مردم‌نهاد است و فضایی که این نهادها بتوانند دغدغه خودشان را مطرح کنند، بدون اینکه نگران عواقب امنیتی باشند. خیلی از شهروندها ممکن است نگران امنیت‌شان باشند و بسیاری از مسائل را مطرح نکنند و این نگرانی‌های شخصی‌شان هم جدی هست. این بحث آموزش که برای آگاهی عمومی نیاز داریم محتاج گردش آزاد اطلاعات است، به صورتی که شهروندان به تبعات مختلف تصمیماتی که برای ابر پروژه‌ها گرفته می‌شود. همین‌طور امکان بروز دغدغه‌ها و اعتراضات نه با هدف تخریب و کارشکنی کورکورانه، بلکه برای انتقال نگرانی‌های موجه به‌صورتی که کشور در مسیر توسعه پایدار قرار گیرد. اگر بخوایم مثالی بزنم، در ایالات متحده سدسازی‌های مختلفی را برای تولید انرژی برق‌آبی و مقاصد کشاورزی و کنترل سیلاب‌ها داشته‌ایم. طی چیزهایی که در دهه‌های گذشته یاد گرفته‌ایم عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد و اطلاعات عمومی که از ارزش منابع محیط زیستی داریم، خیلی از این سدها برداشته می‌شوند؛ سدهایی که در انتهای عمرشان هستند... الان گروه‌هایی هستند که متولی امکان‌سنجی برداشتن این سدها هستند و طی آن دانش‌های جدیدی دارد شکل می‌گیرد که به چه صورتی می‌توان این سدها را برداشت، چون تعدادشان زیاد است. چون امروز جامعه آگاه‌تر است، اصراری به روش‌های قدیمی نیست و به این ترتیب در سیستم‌های دموکراتیک‌تر شرایطی ایجاد می‌شود که پروژه‌های پایدارتر اجرا شوند، و طبیعتاً در جوامع غیردموکراتیک مدیریت متکثرو بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و مردم سخت‌تر خواهد شد.

تکامل از دوران توسعه پایدار به

زمانه عدالت محیط زیستی

گفتگو با دکتر بهرنگ فروغی، کارشناس

برنامه‌ریزی آموزش و توسعه - کانادا

دکتر بهرنگ فروغی کارشناس برنامه‌ریزی آموزش و توسعه است و سال‌های سال در مباحث مرتبط با توسعه پایدار پژوهش و تدریس کرده است. برخی از مقاله‌های او در باره مسائل مرتبط با مشارکت عمومی، مدیریت دموکراتیک جوامع کوچک و توسعه اقتصادی جوامع بومی منتشر شده است.

حقوق ما - عدالت محیط زیستی در دهه‌های اخیر به عنوان یک مفهوم در تعداد قابل توجهی از کشورها و جوامع جدی گرفته شده است، اما شاید بسیاری از مردم چیزی از آن نشنیده باشند. شما به عنوان یک متخصص توسعه، عدالت محیط زیستی را از منظر توسعه چگونه تعریف می‌کنید؟

بهرنگ فروغی - ما در توسعه الان گفتمان توسعه پایدار را داریم و سوال شما به نحوی نقدی است بر گفتمان توسعه پایدار. عدالت محیط زیستی اشاره می‌کند به اینکه هزینه‌هایی که توسعه بر مردم و اقشار مختلف جامعه می‌گذارد. مردم میوه‌های توسعه را به صورت نامساوی می‌چینند و برداشت می‌کنند و استفاده می‌کنند، اما هزینه توسعه با انصاف بین اقشار مختلف جامعه توزیع نمی‌شود. بخشی هزینه بیشتری را می‌دهند و این بخش معمولاً قدرت سیاسی و اقتصادی کمتری دارند. بخش‌های فقیرتر و یا

برای وجود عدالت محیط زیستی باشد؟

بهرنگ فروغی - گفتمان توسعه پایدار که از سال ۱۹۸۴ آغاز شد الان منتقدان زیادی دارد و به عقیده منتقدان دیگر فاسد شده و عملاً کف مطالبات است، و بعضی از پروژه‌ها که صفت پایدار می‌گیرند در واقع پایدار نیستند. این عنوان پایدار، صفت خیلی از چیزها است، مثل کشاورزی پایدار و معماری پایدار و حتی مد پایدار داریم. در حقیقت صناعی داریم که با زندگی روزمره ما سرو کار داریم که صفت پایدار دارند. استفاده زیاد از این کلمه و مفهوم بدون اینکه جای خودش را در آن صنعت پیدا کند و اثرات ادعاهای پایداری آزمایش شود.

حاشیه‌نشین جامعه خیلی مستقیم از بعضی از پروژه‌های توسعه ضربه می‌خورند، برنامه‌هایی که [به‌ظاهر] در جهت رشد اقتصادی آغاز به کار کرده است. اثر منفی این پروژه‌ها روی محیط زیست را این گروه از مردم بیشتر تحمل می‌کنند. عدالت محیط زیستی به این مفهوم است که باید انصاف برقرار باشد. ممکن است من که در یک شهر بزرگ زندگی می‌کنم اثر منفی ساخت و اجرای یک سد در منطقه‌ای دیگر را لمس نکنم چون آب مرا شور نکرده و کشاورزی مرا تحت تاثیر منفی قرار نداده، ولی کشاورزی که در محدوده زندگی می‌کند بیشتر آن اثر منفی حس کرده اما من بیشتر دارم سود می‌کنم.

حقوق ما - توسعه ناپایدار و نامتوازن خودش عامل بی‌عدالتی محیط زیستی است. اما توسعه پایدار چگونه می‌تواند عاملی

حقوق ما - یعنی می‌توان گفت که اگر توسعه پایدار معنی و مفهوم متناسب با محیط زیست داشته باشد و انصاف را رعایت کند، ما به عدالت محیط زیستی می‌رسیم؟

بهرنگ فروغی - هدف عدالت محیط زیستی همان است. عدالت محیط زیستی می‌خواهد خلاء ایجاد شده به واسطه رفتارهای توسعه‌ای را پر کند. مفهوم توسعه پایدار در حال تکامل است و نقدی بر توسعه سنتی است. عدالت محیط زیستی صدای بخشی از جامعه و محیط زیست که توسعه پایدار شاملش نشده است (برخلاف بخش‌هایی که بهره برده‌اند). بحث عدالت محیط زیست که از دهه ۹۰ در آمریکا جدی گرفته شد بعد از آنکه طرح‌های توسعه‌ای باعث آسیب‌های زیادی به آب‌های زیرزمینی و آب بخش‌هایی شد که مردم فقیرتر و یا رنگین‌پوستان و بومی‌ها در آن زندگی می‌کردند و این مردم هزینه‌های بیشتری را متقبل می‌شدند. الان به خاطر تغییرات اقلیمی این بحث جهانی‌تر شده است چون توسعه اثر مستقیم روزی زندگی مردم گذاشته است، چرا که مردم ساحل‌نشین آسیب‌های زیادی می‌بینند، حتی کسانی که در ارتفاعات بالای مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند هم با آثار منفی توسعه مواجه شده‌اند.

حقوق ما - مقام‌های حکومتی مدعی هستند که در ایران به واسطه اصل ۵۰ قانون اساسی و نگاه توسعه پایدار در آن،



عدالت محیط زیستی برقرار است، اما شواهد چیزی دیگری می‌گوید، چرا که نه توسعه پایداری داشته‌ایم و نه عدالت محیط زیستی. بر اساس آنچه در حوزه آب به عنوان یک حق بشری در کشور می‌بینیم، مدیریت پروژه‌هایی که عامل بی‌عدالتی هستند را چگونه می‌توان زیر ذره‌بین برد و به نهادهای بین‌المللی و سازمان ملل معرفی کرد و نشان داد که چگونه روی جوامع اثر می‌گذارند؟

بهرنگ فروغی - شما اشاره‌ای کردید به زیر ذره‌بین بردن پروژه‌ها و اثرهایی که روی محیط زیست گذاشته‌اند. مثال‌های جهانی‌اش هم هست، مثلاً شرکت آلمانی که در کشور خودش نمی‌تواند دست به جنگل بزند در کامرون جنگل‌ها را برداشت می‌کند. یک سری از موادی که در زباله‌های آمریکا و کانادا وجود دارد را نمی‌توانند دفع کنند، اما راهی مناطقی در اندونزی و فیلیپین می‌شود. در ایران، طرح توسعه انتقال آب را می‌بینیم که باعث شورتر شدن یک رودخانه اصلی مملکت می‌شود و میلیون‌ها نفت برای چند دهه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این دقیقاً اثرات پروژه‌های ضد محیط زیستی به نام توسعه [اقتصادی] بوده و مفهوم پایداری در آن لحاظ نشده.

زیر ذره‌بین بردن برای گزارش آنچه رخ داده برای گزارش‌گری اهمیت دارد، و از طرف دیگر، با کسانی که قرار بوده ذی‌نفع توسعه باشند باید حرف زد تا درگیر تحلیل برنامه‌ها شوند، یعنی از دید کشاورز که قرار بوده فعالیت [پروژه آبی] برایش منفعت بیاورد، چه اتفاقی افتاده و او این ماجرا را چگونه می‌بیند، و آیا قبل از اینکه پروژه شروع شود و در منطقه‌اش اجرا شود، او نقشی در آوردنش داشته ع با صنف خودش حرفی زده و یا با مقام‌های محلی همفکری کرده؟ باید با کسانی که پروژه‌ها به طور مستقیم روی زندگی‌شان اثر داشته و قرار بوده ذی‌نفعان آن باشند حرف زد. توسعه برای مردمی است که پروژه برای آنان تعریف و اجرا شده و مساله باید از زاویه دید آنها بررسی شود. باید دید علت مشارکت، یا به عبارت دیگر عدم مشارکت آنها چه بوده. باید دید که در چارچوب کدام طرح تلفیقی کارشان دیده شده. این برنامه‌ها به هم ربط دارند. برنامه‌ها می‌توانند منطقه‌ای باشند و از

سطح یک روستا از طریقی به بخش‌های دیگر مرتبط باشد، مثلاً وقتی برای روستا کاری انجام می‌شود، بخشی از ماجرا به مرتع بر می‌گردد و مناطق جانبی هم به نحوی وابستگی دارند. باید آن اکوسیستم از منظر کارشناسی تحلیل شود. مساله عدالت محیط زیستی جایگاه انسان را تغییر داده است. شما به عنوان انسان در جایگاهی نخواهید بود که با محیط زیست و منابع همه کاری بتوانید بکنید. انسان یکی از گونه‌هایی است که اینجا کنار بقیه زندگی می‌کند و حق بیشتری هم ندارد. اگر انسان بخواهد روی ضررهای خودش روی محیط زیست عدد و رقم بگذارد، صفرهای زیادی باید برایش بگذارد و نمی‌تواند اثرات مخرب سوز اندکی پروژه‌ها را بشمرد.

وقتی عدالت اجتماعی و محیط زیستی را کنار هم می‌گذارید یک نیرویی اینها را هم به جلو می‌برد. محیط زیست و انسان در کنار هم هستند و عدالت یک معنی و مفهوم برای‌شان دارد، و وقتی به حقوق بشر می‌رسیم به محیط زیست هم خواهیم رسید [حقوق بشر و محیط زیست از هم جدا نیستند]. درست است که محیط زیست مستقیماً و به تنهایی صدا ندارد، اما حقوق انسان‌هایی که در آن زیست‌بوم زندگی می‌کنند، و درگیر بودن و مشارکت آنها در کاری که می‌خواهد اتفاق بیافتد، نه در جهت همکاری در ساخت و اجرای پروژه‌هایی مثل سدسازی و انتقال آب که در راستای تحلیل این طرح‌ها برای اینکه ببینیم که پروژه‌های توسعه‌ای چه اثری روی محیط زیست و انسان‌ها گذاشته و بعداً چه رخ خواهد داد. الان در جوامع سنتی کانادا یک رسمی وجود دارد و آن هم این است که آثار هر پروژه را روی هفت نسل بعد از آن بررسی کنند. دولت مجبور شده برای پروژه‌هایی که می‌خواهد در مناطق بومی کانادا اجرا کند به تحلیل آثار آنها بپردازد و حتماً در مناطق دیگر دنیا هم چنین بوده که ببینند که در آینده چه رخ خواهد داد و منفعت کوتاه مدت را فقط مد نظر قرار ندهند. عدالت زیست محیطی تفاوت ماهوی با عدالت اجتماعی و مفهوم حقوق بشر ندارد و همه اینها باید در یک ظرف به هم کمک کنند.

ابر پروژه‌های جمهوری اسلامی:

نقض حقوق محیط زیست و نماد

بی‌عدالتی محیط زیستی

نیک آهنگ کوثر، روزنامه‌نگار حوزه آب

از زمان اجرای طرح انتقال آب از حوضه کارون به حوضه زاینده‌رود از طریق تونل کوهرنگ، طرفداران توسعه از رفتن به سراغ روش‌های گران‌قیمت مهندسی برای حل کمبود آب فلات ایران مرکزی دفاع کرده‌اند. دفاع از جابجایی حجم بزرگی از آب تا بدانجا پیش رفته که طرفدار توسعه سازه‌ای از کشیدن یک کانال برای کشتی‌رانی میان خلیج فارس و دریای مازندران سخن گفته‌اند و برخی هم، جابجایی حجم بزرگی از آب به کویر لوت و ایجاد دریاچه‌ای بزرگ برای تغییر شرایط اقلیمی این منطقه و ایجاد فضایی متفاوت در یکی از گرم‌ترین نقاط کره زمین به عنوان راه حل معرفی کرده‌اند. کسانی که ایده‌های بزرگ در سرمی‌پروانند به تحولاتی سریع می‌اندیشند که با آثاری مثبت بتواند نیازهای بخش‌هایی از جامعه را حل کند، اما مساله آنجا است هر تغییر و تحولی و دستکاری در طبیعت می‌تواند نتایج مخرب و غیرمترقبه‌ای به بار آورد که هم محیط زیست و هم نسل‌های بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کسانی که خیال می‌کردند با انتقال حق‌آبه کارون از طریق تونل کوهرنگ به توسعه حوضه آبریز گاوخونی (زاینده‌رود) کمک خواهند کرد، نمی‌دانستند که آب بیشتر در نبود تفکر توسعه پایدار، به مصرف بیش از پیش

آب، ایجاد کارخانه‌های صنعتی بزرگ و آب-برمثل ذوب آهن، افزایش جمعیت، توسعه نامتوازن کشاورزی و شهری منتهی خواهد شد. بدتر از همه، مدیران فعلی راه چاره تامین کمبود آبی را در افزایش آب انتقالی از حوضه کارون می‌دانند. به تعبیر برخی از منتقدان، دزدیدن بخشی از حق‌آبه محیط زیستی کارون بس نبود، حالا با افزایش جمعیت و بیشتر شدن نیاز، می‌خواهند حق‌آبه بیشتری بدزدند. این نوع توسعه را می‌تواند توسعه آب دزدکی خواند. حالا برای تامین آب مناطقی در استان کرمان که به خاطر کاشت پسته و بره‌برداری بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی خشکیده‌اند، می‌خواهند از حوضه آبریز کارون آب را از طریق لوله و کانال به نزد قدرتمندان پسته‌کار ببرند. خانواده‌های قدرتمند رفسنجان توان لابی کردن و تأثیرگذاری بر دولت‌مردان را دارند، چه روزگاری که اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از قدرتمندترین مردان کشور بود، به زیردستانش دستور داد برنامه انتقال آب را با دیدی مثبت، بررسی کنند. بررسی با دید مثبت یعنی نادیده گرفتن ارزیابی‌های دقیق محیط زیستی و اقتصادی و اجتماعی. یعنی نادیده گرفتن حقوق مردمان بهشت آباد و ونک. یعنی نادیده گرفتن نیازهای آبی مناطق مختلف حوضه کارون. یعنی چشم بستن بر این واقعیت که با کاهش آبدهی کارون و پیشروی آب شور

خلیج فارس به محدوده رودخانه، آب‌های زیرزمینی مناطق جنوبی خوزستان هم شور خواهد شد و زندگی نابسامان مردمان سختی کشیده این خطه، سخت‌تر ناگوارتر از پیش می‌شود.

پیش‌برد پروژه‌های بزرگ انرژی و صنعتی در مناطق کم‌آب، آثار منفی درازمدتی را بر جای می‌گذارد که اهالی مناطقی که مردمانی کم‌قدرت دارد را سرگردان و ناتوان می‌کند. دولت‌ها در توجیه ساخت و ساز نیروگاه‌ها، سدها و یا تاسیسات عظیم ذوب آهن در مناطق کم‌آب، ده‌ها دلیل می‌آورند اما هیچگاه آثار درازمدت این طرح‌ها بر محیط زیست و جامعه را علنی نمی‌کنند.

وقتی نیروگاه برق شهید مفتاح در محدوده کبودرآهنگ تاسیس می‌شد، کمتر کسی حواسش به میزان آب مورد نیاز نیروگاه بود که می‌بایستی از آبخوان منطقه تامین شود. یکی از روزنامه‌نگارانی که خانواده کشاورزش اهل منطقه بهار و کبودرآهنگ هستند برایم تعریف می‌کرد که ۳۰ سال پیش برای رسیدن به آب باید زمین را ۱۵ متر حفر می‌کردند... الان کار به جایی رسیده که چاه ۳۰۰ متری نیز کفاف نمی‌دهد. در طول سه دهه، نیروگاه و کشاورزان در خالی کردن سفره‌های آب زیرزمینی رقابتی نابرابر داشتند، اما نتیجه کار مرگ تدریجی دشتی است که فروچاله‌های متعدد در آن دهان باز کرده‌اند. کشاورز در رقابت با هیولای برق‌ساز بازی را باخته و چاره‌ای جز مهاجرت نمی‌یابد... تامین برق بخش‌هایی از کشور و توسعه نامتوازن، حقوق محیط زیستی مردمان یک منطقه را نقض کرده است. این سندی از بی‌عدالتی محیط زیستی است.

ایجاد کارخانه ذوب فولاد در یزد که یکی از نقاط کم‌باران ایران محسوب می‌شود، تعجب بسیاری از کارشناسان آب و صنعت را برانگیخت. قدرت خانواده‌های خاتمی، صدوقی و تابش و همچنین لابی‌های بانفوذ در یزد به حدی بود که کمبود آب مورد نیاز یکی از آب-بر-ترین صنایع را نادیده گرفتند و امیدوارند با گسترش ساز و کار آب‌شیرین‌کن‌های خلیج فارس و انتقال آب، آرزوی قدرتمندان یزدی به واقعیت تبدیل شود. اما به چه قیمتی؟ شیرین کردن آب شور خلیج فارس نیاز به برق زیادی دارد که تولید دائمی

این برق وابسته به سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز) است. همچنین تولید برق از سوخت فسیلی علاوه بر آزاد کردن مقادیر بسیار زیاد گازهای گل‌خانه‌ای، حرارت زیادی تولید می‌کند. به علاوه، شورابه حاصل از شیرین کردن آب دریا، مجدداً با غلظتی بسیار بالا در دریا رها می‌شود که با شور شدن محدوده‌هایی، جان آبزیان به خطر می‌افتد. در طی چند دهه اخیر، آب‌شیرین‌کن‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس هم اطراف خود را تا حدی گرم‌تر کرده‌اند و هم با افزایش شوری خلیج فارس، آثار غیرقابل جبرانی بر آبزیان گذاشته‌اند. حالا جمهوری اسلامی برای تامین آب پروژه‌های ناپایدار که سودی را به جیب گروه‌هایی ویژه و قدرتمند می‌رساند، به محیط زیست منطقه جنوب کشور آسیب خواهد رساند. اما برخی از مردمان جنوب ایران که نان‌شان را از خوان سابقاً گسترده خلیج فارس برمی‌داشتند،



تدریجاً با واقعیتی تلخ روبه‌رو خواهند شد و چاره‌ای جز تغییر شغل و یا تغییر محل زندگی نخواهند داشت. بی‌عدالتی محیط زیستی پراز نشانه‌های تبعیض است. اینجا فقط از آثار محیط زیستی گفتیم، وگرنه آثار اقتصادی این پروژه و هزینه‌ای که بردوش مردم خواهد گذاشت، بسیار ترسناک است، به‌ویژه وقتی بدانیم هزینه تولید یک متر مکعب آب شیرین بین ۵۵ سنت تا ۳ دلار است و هزینه انتقال همین یک متر مکعب تا ۱/۵ دلار هم برآورد شده است، رقمی که کارشناسان وابسته به دولت بسیار کمتر عنوان کرده‌اند، اما تحلیل‌گران زیر بار ارقام تبلیغاتی کارمندان حسن روحانی نرفته‌اند.

وقتی دولت‌های سازندگی و اصلاحات به اسم مقابله با پیشروی دریاچه ارومیه و تامین آب کشاورزی منطقه ساخت ده‌ها سد را آغاز کردند، به این نیاندیشیدند که

ممکن است منطقه را دچار سندرم دریاچه آرال کنند. دستکاری در سرنوشت دریاچه آرال، سلامتی هزاران هزار نفر را به خطر انداخت. همین اتفاق در مورد دریاچه ارومیه تکرار شد و حتی هشدار عیسی کلانتری به سید محمد خاتمی بی‌اثر ماند، چه، سد سازانی که تشنه پول بیشتری بودند قدرتی بیشتر از مردمانی داشتند که بعدها قربانی بی‌توجهی محیط زیستی دولت شدند. بعدها با تلاش‌های مردمان معترضی که خواستار نجات دریاچه شدند، دولت مجبور شد سیاستش را تغییر بدهد، اما باز با روش‌های ناپایدار کاری کرد که اثر منفی‌اش بعدها بلای جان مناطق مرزی خواهد شد. دولت روحانی با انحراف رودخانه زاب و ساخت سدهایی، حق‌آبه مناطقی از کردستان عراق را دزدیده تا آب به دریاچه ارومیه برسد. این سیاست نه تنها مسیر به‌عدالتی محیط‌زیستی پیشین را نبسته، که نوعی بی‌عدالتی در حق مردم حوضه آبریز زاب در آن سوی مرز ایران است. اگر جمهوری اسلامی منتقد سیاست‌های سدسازی ترکیه و بند آوردن نسبی آب رودخانه‌های دجله و فرات در طرح گاپ است، خودش با دزدی در روز روشن، از روی دست دولت ترکیه تقلب کرده است.

بی‌عدالتی محیط زیستی در ایران اشکال بسیاری دارد، از آلوده کردن آب‌های زیرزمینی مناطق اطراف نیروگاه‌ها، کارخانه‌های پتروشیمی، پالایشگاه‌ها و تاسیسات و مریض کردن ساکنان روستاها و شهرک‌های اطراف گرفته تا غرق کردن خانه‌های هزاران نفر با سد کارون - ۳ به بهانه تامین برق بخشی از کشور. برپایی عدالت محیط زیستی وابسته به همیاری حقوق‌دانان و تلاش‌گران عرصه حقوق بشر و فعالان محیط زیست است. در طی دهه‌های اخیر، کمتر کسی به فکر مستند کردن بی‌عدالتی‌ها بوده است. شاید گام اول برای آگاه کردن جهانیان از دلایل قرارگیری ایران در میان آلوده‌کنندگان محیط زیست و عوامل موثر در تشدید تغییرات اقلیمی، مستند کردن روش توسعه‌ای جمهوری اسلامی باشد. اگر بتوان مدیران جمهوری اسلامی را به خاطر تصمیم‌گیری‌های‌شان که بسیاری از مناطق ایران را غیرقابل سکونت کرده پاسخگو نمود، شاید نسل‌های بعدی بختی برای زندگی در سرزمین آبا و اجدادی داشته باشند.



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net